

کارگر کمونیست ۹۶

دو هفته یکبار، پنجشنبه، منتشر میشود

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران - درباره مسائل جنبش کارگری

kargar_komonist@yahoo.com

www.wpiran.org/kk-index.htm



شهبلا دانشفر

سوی تعدادی از رهبران و فعالین کارگری از کارخانجات متعدد از شهرهای مختلف یک پیشروی دیگر در جنبش کارگری و گامی موثر در

صفحه ۳

سه اتفاق مهم در جنبش اعتراضی کارگران

غرب بافت-لوله و پوشش سلفچگان-لاستیک البرز-پریس، شاهو-نورد لوله و پروفیل ساوه - پتروشیمی پلی اتیلین سنگین کرمانشاه-عسلویه - نساجی کردستان-آجر پزی شیل سنندج - گونی بافی سما و برخی کارگران پروژه ای و ساختمانی عضو اتحادیه برپا کرد. نفس برپایی مجمعی از

مجمع عمومی فوق العاده اتحادیه آزاد کارگران ایران و خواست دستمزد

اتحادیه آزاد کارگران ایران روز ۱۰ آبان مجمع عمومی فوق العاده خود را با شرکت بیش از ۷۰ نفر از کارگران و نمایندگان کارگران کارخانه های کارخانه های فرش



مانور نیروهای حکومت در برابر "بحران اجتماعی"

کاظم نیکخواه

خطرناکترین دشمنش همین مردمند و خطر تبدیل خشم و نفرت آنها به بحران اجتماعی یعنی انقلاب بسیار نزدیک است.

کارگران و مردمی که خشم و نفرت و انزجارشان از حکومت را دارند به زبانهای مختلف در کوچه و خیابان و کارخانه و صحن دانشگاهها و در تلویزیون کانال جدید ابراز میکنند، آن دشمنی هستند که جمهوری اسلامی مقابل خویش می بیند و دارد در برابر آنها نمایش ضد شورش ترتیب میدهد. همین جنبه را باید همه کارگران و مردم ببینند و قدرت خویش را بیش از پیش باور کنند. راستی اگر کسی در وجود یک جریان زنده و گسترده ضد حکومت اسلامی شک و تردیدی دارد، باید چشمها را باز کند، گوشها را تیز کند، تا بشنود که کارگران و

وقتی حکومت برای مقابله با "بحرانهای اجتماعی" مانور پلیسها و پاسبانها و پاسدارانش را ضروری میبیند، دارد اعتراف مهمی را برزبان میراند. دارد آشکارتر و عیان تر از خود مردم اعتراف میکند که فوران خشم مردم علیه حکومت بسیار نزدیک است. دارد به فضای گسترده اعتراضات و اعتصابات و حق خواهی و آزادیخواهی علنا و سیاه روی سفید اعتراف میکند. نیروهای حکومت را به میدان کشیده اند تا در مقابل مردم نمایش قدرت دهند. این یک بدعت در میان دولتهاست. وضع حکومت باید خیلی پیس باشد که ناچار شود جلوی چشم همه مردم دنیا بگوید من فعلا ناچارم صفوفم را برای مقابله با مردم کشور متبوعم یک دست کنم تا علیه من انقلاب نکنند! این حکومت دارد اعتراف میکند که نزدیکترین و

صفحه ۸



ناصر اصغری

هایشان به تصاحب مؤسسات بزرگتر در آمد. میلیون ها انسان خانه هایشان را از دست دادند که به مالکیت بانکها و مؤسسات مالی بزرگتر در آمد. صدها کمپانی کوچک

صفحه ۵

بازگشت کینز؟!

وسعتی، اگر منجر به انقلابی نشود، بخش عظیمی از جامعه را به آستانه نیستی می راند و با ساقط کردن بخش عظیمی از جامعه از زندگی، به زندگی خود ادامه خواهد داد. در این بین حتی لایه های نسبتا ضعیف تر طبقه بورژوا هم قربانی می شوند. تنها در آمریکا تا ۷ ماه نوامبر امسال ۱۹ بانک و مؤسسه مهم مالی ورشکسته شدند و دارائی

بلائی که این روزها بر سر تئوری "بازار آزاد پیروز" آمده است، کمتر کسی را به صرافت دفاع از این لجام گسیختگی می اندازد. شك دارم حتی فردریک هایک و میلیتون فریدمن هم، اگر زنده بودند، می توانستند از آن دفاعی بکنند. در عوض انسان های زیادی این شکست و ورشکستگی را جشن گرفته اند؛ گرچه چنین بحران هائی با چنین

با اعتراضی بین المللی تعرض جمهوری اسلامی به رهبران

کارگری را عقب برانیم

اتحادیه آزاد کارگران ایران در ۱۲ نوامبر (۲۲ آبان) دستگیر شد و اکنون ممنوع الملاقات است. طیب ملایی از جمله ۱۳ کارگری بود که در اول ماه مه سال ۲۰۰۷ در سنندج بازداشت شد و به ۹۱ روز زندان و ۱۰ ضربه شلاق محکوم گردید و

صفحه ۷

تحقق خواسته های اولیه خود و تلاش کارگران برای ایجاد تشکلهای واقعی شان، رژیم اسلامی رهبران کارگری را مورد تهدید و فشار قرار داده است. در همین رابطه توجه شما را به موارد اخیر این فشارها و تهدیدها جلب میکنیم: - طیب ملایی سخنگوی

۱۵ نوامبر ۲۰۰۸ به سازمانهای کارگری در سراسر جهان دوستان!

جمهوری اسلامی در هفته های اخیر تعرض خود به رهبران کارگری در ایران را شدت داده است. در برابر گسترش اعتراضات کارگری برای

یادداشتهای یک کارگر "بول را میخواهی چکار؟"

یاشار سهندی - صفحه ۶
روایهای رفرمیستی برای طبقه کارگر ایران
محمد کاظمی - صفحه ۴
بازداشت مجدد طیب ملایی و احضار طه آزادی را محکوم می کنیم
صفحه ۲
چند خبر از اعتراضات و بیکارسازی کارگران در سطح جهان
صفحات ۹-۱۰
اخبار اعتراضات کارگری در ایران - صفحه ۱۲-۱۰

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



بازداشت مجدد طیب ملایی و احضار طه آزادی را قویا محکوم می کنیم

مینویسد:
"اتحادیه آزاد کارگران ایران احضار طه آزادی به دادگاه و یورش مکرر به منزل طیب ملایی و بازداشت و آزار و اذیت وی و خانواده اش را با اتهامات واهی قویا محکوم میکند و متوسل شدن به اعمال ضد انسانی از سوی مامورین انتظامی را تلاشی از سر استیصال از سوی دشمنان طبقه کارگر برای خانه نشین کردن اعضای فعال اتحادیه آزاد کارگران ایران ارزیابی میکند و با تمام توان در مقابل آن ایستادگی خواهد کرد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران با توجه به ایجاد سنديکا توسط کارگران نیشکر هفت تپه و در شرایطی که تورم افسار گسیخته زندگی را بیش از هر زمان دیگری به جهنی برای کارگران تبدیل کرده است، صدور حکم تعلیقی برای کارگران شرکت واحد و یکسال زندان برای افشین شمس و احضار طه آزادی و محمد جراحی و یورشهای مکرر به منزل طیب ملایی و بازداشت وی را تعرضی سازمانیافته از سوی دشمنان طبقه کارگر برای وارد کردن کارگران به عقب نشینی از ایجاد تشکل و جلوگیری از اعتراضات کارگری ارزیابی میکند و از عموم کارگران و تشکلهای و نهادهای کارگری میخواهد تا متحدانه در برابر این یورش ایستادگی نمایند.

همچنین ما از عموم سازمانهای کارگری و حقوق بشری در سراسر جهان میخواهیم تا نسبت به زیر پا گذاشتن گسترده بدیهی ترین حقوق کارگران در ایران اعتراض نموده و خواهان آزادی منصور اسالو، افشین شمس، طیب ملایی و توقف فوری احضارها و بازداشت و آزار و اذیت کارگران در ایران شوند.

رونوشت به: کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری ituc اتحادیه آزاد کارگران ۲۳ آبان ۸۷"

خود به کلاتری ۱۲ سندج مراجعه کرد که همانجا وی را بازداشت و به اطلاعات نیروی انتظامی انتقال دادند. اما وی روز بعد از بازداشت، بدنبال پیگیری های خانواده اش در روز ۱۹ آبان ساعت ۶ عصر با قرار کفالت آزاد شد. قاضی پرونده هنگام آزادی طیب اعلام کرده بود که وی باید ظرف دو هفته آینده در دسترس باشد تا مورد محاکمه قرار بگیرد. اتهام طیب ملایی همکاری با گروههای مخالف نظام و نگهداری ریسور است.

طیب ملایی از جمله ۱۳ کارگری بود که در اول ماه مه سال ۸۶ در سندج بازداشت شد و به ۹۱ روز زندان و ۱۰ ضربه شلاق محکوم گردید. این احکام با اعتراضاتی که از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران و سایر سازمانها و نهادهای کارگری و حقوق بشری صورت گرفت طی سفر آیت الله شاهرودی به سندج ملغی گردید.

از سوی دیگر روز ۲۳ آبان آبانماه احضاریه ای از سوی معاونت دادستانی کنگان به درب منزل طه آزادی عضو علی البدل هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران ارسال گشته و طی آن از طه آزادی خواسته شده است از تاریخ رویت ابلاغیه به مدت ۷ روز فرصت دارد تا خود را به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام به شعبه معاونت دادستانی کنگان معرفی نماید.

لازم به یاد آوری است طه آزادی به جرم شرکت در برگزاری مراسم روز جهانی کارگر امسال در شهر عسلویه به همراه جوانمیر مرادی دستگیر و به مدت ۴۷ روز در بازداشتگاه نیروی انتظامی عسلویه، ستاد خبری و زندان مرکزی بوشهر تحت بازداشت و شکنجه های روحی و جسمی قرار داشت.

در همین رابطه اتحادیه آزاد کارگران ایران طی اطلاعیه ای در ۲۳ آبان ضمن گزارش این خبر

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، (سایت اتحاد) طیب ملایی از اعضای هیئت مدیره و سخنگوی این اتحادیه، روز سه شنبه ۲۱ آبان ماه بار دیگر مامورین انتظامی کلاتری ۱۵ سندج با سلاح و تجهیزات و بدون نشان دادن حکم قضایی با خشونت وارد منزل طیب ملایی شده و بلافاصله و بدون سوال و جوابی برادر ایشان را دستبند زده و پس از جستجوی خانه بر بالای پشت بام رفته و بشقاب ماهواره همسایه را به همراه برادر طیب با خود بردند و اعلام کردند تا معرفی طیب ملایی برادرش را آزاد نخواهند کرد. با پیش آمدن این وضعیت غروب روز چهارشنبه ۲۲ آبان طیب ملایی پس از بازگشت از کار به کلاتری مزبور رفت که همانجا بازداشت و بنا بر اظهار مامورین این کلاتری فرمایش به زندان مرکزی سندج منتقل و ممنوع الملاقات شده است و روز ۲۳ آبان به مادر وی اجازه ملاقات داده نشد.

در رابطه با اتهام طیب مولایی این بار نیز مامورین نیروی انتظامی ادعای واهی قبلی را مبنی بر داشتن سلاح مطرح کرده و طیب را به اتهام استفاده از ماهواره زندانی و ممنوع الملاقات کرده اند. این در حالی است که مامورین انتظامی بشقاب ماهواره همسایه را ضبط کرده و آنرا متعلق به طیب اعلام نموده اند در حالی که همسایه طیب اعلام کرده است بشقاب مال طیب نیست و متعلق به وی می باشد.

لازم به یادآوریست که قبل از آن، روز ۸ آبان مامورین امنیتی در غیاب طیب به منزل وی هجوم آورده و با خشونت به مدت دو ساعت منزل ایشان را زیر و رو کرده و کیس کامپیوتر، ریسور و برخی لوازم شخصی و اسناد مربوط به اتحادیه را با خود برده بودند. طیب روز ۱۸ آبان به همراه خانواده و اعضای اتحادیه در سندج برای گرفتن لوازم



اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

کارگر کمونیست

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران
درباره مسائل جنبش کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

Email: kazem.nikkhah@googlemail.com

هیئت تحریریه

ناصر اصغری

nasser_asgary@yahoo.com

شاهلا دانشفر

shahla_daneshfar@yahoo.com

یاشار سهندی

y_sahandi@yahoo.com

حسن صالحی

hasan_salehi2001@yahoo.com

سایت حزب کمونیست کارگری ایران
www.wpiran.org

Tel: 0046 739 318 404

Fax: 0046 864 897 16

markazi.wpi@gmail.com

دفتر

مرکزی

حزب

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست.

سه اتفاق مهم ...

از صفحه ۱

سازمانیابی مبارزات سراسری کارگران است. و از همین رو چنین سطحی از نشست رهبران کارگران نتیجه فوری خود را در عزم جزم این کارگران در مبارزه برای خواست افزایش دستمزدها و تصمیم گیری مبنی بر تشکیل کمیته ای بر سر مساله دستمزد نشان داد. مساله ای که برآستی مساله سراسری کارگران و کل جامعه است. بویژه در شرایطی که گرانی بیداد میکند و سطح قیمت ها هر روز افزایش بیشتری می یابد. در شرایطی که دولت حتی همان یارانه ناچیزی که به بخش محدودی از کالاها تعلق میگرفت را حذف کرده و با سپردن قیمت ها به بازار آزاد، به رشد قیمت اجناس شتاب بیشتری داده است، سطح نازل کنونی دستمزدها و حداقل دستمزدها به میزان ۲۱۹ هزار تومان آنهم تازه اگر بموقع به کارگر پرداخت شود، يك جنایت آشکار در قبال کارگران و کل جامعه است. شرایطی که در آن هر روز کارگران و بخش حقوق بگیر جامعه، معلمان، پرستاران و ... فقیرتر و فقیرتر میشوند، ابعاد بی مسکنی و آوارگی بیشتر شده، مرگ و میر کودکان بخاطر سو تغذیه و بیماری به حد تکان دهنده ای رسیده و

کودکان هر چه بیشتری از تحصیل محروم شده و بعنوان کودکان کار و خیابان راهی خیابانها میشوند. شرایطی که در آن تن فروشی هر روز بیشتر شده و سن تن فروشی به ۱۳ سال کاهش یافته است. شرایطی که در آن اعتیاد بیداد میکند و بخش عظیمی از جامعه بخاطر تامین مایحتاج اولیه زندگی اش درمانده است. در چنین شرایطی مبارزه برای خواست افزایش دستمزدها يك مبارزه متحد کننده است که همه این بخش های جامعه را به هم پیوند میدهد و مجمع فوق العاده اتحادیه آزاد کارگران ایران بر این مهم تاکید گذاشته است. تصمیم مجمع عمومی فوق العاده اتحادیه آزاد کارگران ایران تلاشی است برای به صدا درآوردن سوت آغاز يك جنبش وسیع برای مبارزه برای خواست افزایش دستمزدها. باید وسیعاً به این جنبش پیوست. باید از ابتکار و تلاش این اتحادیه استقبال کرد و با امضای طومار بر سر دستمزد که توسط کمیته دستمزد تشکیل شده از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران تهیه و در محیط ها و مراکز کارگری به حرکت در خواهد آمد این حرکت را تقویت کرد و خود مبتکر انجام چنین کاری در همه

مراکز کارگری و در میان معلمان و بخش های مختلف جامعه شد.

سرمایه از روز ازل نبوده سرمایه دار حق ما را ربوده

يك اتفاق مهم در هفته ای که گذشت تجمع اعتراضی کارگران کیان تایر در اعتراض به هفت ماه نپرداختن دستمزدها توسط کارفرما بود. تجمعی که با اولین روز زمایش دولت و قشون کشی آن به خیابانهای تهران همزمان بود و علیرغم اینکه گفته بودند که این زمایش و بیرون آوردن ۳۰ هزار نیروی انتظامی به خیابانها، مانوری است در برابر بحران اجتماعی، کارگران کیان تایر در این روز مقابل دفتر رییس جمهور جمع شدند و با بلند کردن پلاکاردی که بر آن نوشته شده بود: هفت ماه است حقوق نگرفته ایم آقای وزیر؟ شما چطور؟ فریاد حق طلبی و اعتراض خود را بلند کردند. کارگران شعار میدادند وعده و وعید نمیخواهیم... و باین ترتیب بر خواستهای خود تاکید میکردند و همان جا اعلام کردند که اگر به آنها پاسخ داده نشود، این بار به همراه خانواده هایشان و با جمع بزرگتری دست به اجتماعات وسیعتر خواهند زد. این اتفاق بیش از هر چیز نشانگر حال و هوای امروز جامعه ایران و جنبش کارگری است. کارگران کوتاه

نمی آیند. کارگران دستمزدهایشان را میخوانند. مبارزه کارگران کیان تایر شایسته وسیعترین حمایتها ست. از کارگران کیان تایر حمایت کنیم*

سندیکای کارگر نیشکر هفت تپه و خواست رسمی شدن قراردادهای موقت

روز ۲۰ آبان اعضای هیئت مدیره سندیکای هفت تپه با شرکت در نشستی با شفیقی مدیرت این شرکت و طرح خواست رسمی شدن قراردادهای موقت، بار دیگر قدرت اتحاد ۵۰۰۰ کارگر نیشکر هفت تپه را به نمایش گذاشتند. واقعیت اینست که در نیشکر هفت تپه کارگران همواره به قدرت اعتصاب و مبارزات متحد خود توانسته اند، در برابر تعرضات کارفرما بایستند، توانسته اند پرداخت دستمزدهای معوقه خود را بارها به مدیریت و دولت تحویل کنند و مهمتر از همه اینکه تشکل خود سندیکای نیشکر هفت تپه را تشکیل دهند، نمایندگان خود را انتخاب کنند و عملاً انجام این کار را به دولت و کارفرما تحویل کنند. مبارزات یکساله اخیر کارگران نیشکر هفت تپه دستاوردهای بزرگی برای جنبش کارگری در برداشته است. در نشست ۲۰ آبان کارگران نیشکر هفت تپه،

گامی فراتر گذاشته و با اتکا به قدرت تشکل خود و نیروی ۵۰۰۰ کارگر و قدرت تجمعات و اعتصاباتشان، خواست رسمی شدن استخدام کارگران قراردادی را اعلام کردند و به عنوان نمایندگان رسمی تشکل کارگران نیشکر هفت تپه با شفیقی مدیرت کارخانه به مذاکره نشستند. در این نشست مدیریت آنها را تهدید کرد. تشکلشان را غیر قانونی اعلام کرد. و به آنها هشدار داد. اما کارگران کوتاه نیامند و با استناد به مقاله نامه های ۹۸ و ۸۷ سازمان جهانی کار و اینکه ایران از امضا کنندگان این مقاله نامه هاست، اعلام داشتند که حق خود میدانند که نام کیفیت تشکل خود را تعیین نمایند و نیازی به تایید هیچ مرجعی نمی بینند. این نشست و طرح خواست رسمی شدن استخدامهای قراردادی، تاکید آنان بر حق مسلم ایجاد تشکل کارگری برای کارگران و پافشاری شان بر روی خواستهای بر حق خود، بیش از هر وقت قدرت متحد کارگران نیشکر هفت تپه را به نمایش گذاشت و الگوی خوبی از پیشبرد مبارزات قدرتمند، به اتکای مبارزه متحد کارگران را به نمایش گذاشت. زنده باد کارگران نیشکر هفت تپه.

آخرین اخبار از وضعیت کارگران اخراجی شرکت واحد و صدور احکام زندان برای ۵ نفر از آنان

سعید ترابی از اعضای سندیکای شرکت واحد در ارتباط با وضعیت کارگران شرکت واحد در گفتگویی با آژانس ایران خبر اطلاع میدهد که در ادامه صدور احکام زندان برای ۴ نفر از اعضای سندیکا، برای عباس نژند کودکی نیز ده ماه حکم زندان صادر شده است. او اعلام میکند که این احکام مورد اعتراض کارگران است و برای خود او تا ۱۲ آبان فرصت داده شده تا به این حکم اعتراض را اعلام کند. به گفته سعید ترابی هم اکنون یوسف مولایی، پرویز خورشید، صالح نیکبخت و محمد شریف وکالت پیگیری پرونده های این کارگران را بر عهده گرفته اند. در این گفتگو سعید ترابی در مورد وضعیت منصور

اسانلو گزارش میدهد که از زمانی که او به زندان رایجی شهر منتقل شده است، محدودیت هایی برای ملاقات دارد. اما قبلاً که منصور اسانلو در زندان اوین بود، هر دو هفته یکبار برای معاینه به بیمارستان میرفت و دوستان هیات مدیره و خانواده و سایر فعالین در بیمارستان او را دیدار میکردند. سعید ترابی احکام صادر شده برای کارگران واحد را ناعادلانه دانست و توضیح داد که تمام ۳۰ نفری که احکام اخراج توسط اداره کار برایشان صادر شده بود، به دیوان عدالت اداری مراجعه و شکایت کردند. اما دیوان عدالت برای دو نفر از کارگران اخراجی، ابراهیم مددی و نعمت امیر خانی در قبال گرفتن

مبلغی بالغ بر ۳۰ میلیون تومان حکم بازخرد صادر کرد و در واقع این دو نفر بازخرد اجباری شدند. اما حکم اخراج باقی ۳۰ نفر کارگر اخراجی سندیکای واحد، از جمله خود او توسط شعبات مختلف دیوان عدالت اداری تایید گردید. در این گفتگو سعید ترابی هم چنین توضیح میدهد که ابراهیم مددی هم اکنون منتظر رسیدگی به وضعیت خود از طرف شعبه کار شمال غرب تهران است و هنوز نتیجه ای نگرفته است. ضمن اینکه خود او و دیگر اخراج شدگان به هیات عمومی دیوان عدالت اعتراض کرده اند و قرار است در این هیات بالغ بر ۹۰ قاضی و مستشار دیوان عدالت اداری پرونده آنها را بررسی

کنند. و این کارگران منتظر پاسخ هیات عمومی دیوان عدالت هستند. از سوی دیگر گوهری از اعضای سندیکای شرکت واحد در گفتگو با آژانس ایران خبر در ارتباط با وضعیت فعلی خود میگوید که در روزهای ۶ و ۷ آبان برای محاکمه به دادگاه رفته است. او توضیح میدهد که دادگاه روز ۶ آبان او، در شعبه ۱۷ برگزار شد، اما این دادگاه به علت عدم حضور معاون دادستان انجام نشد. اما دادگاه روز هفتم وی در شعبه ۱۴ با حضور وکیل او صالح نیکیفرد در رابطه با دستگیری وی در اعتصاب زمستان سال ۸۴ برگزار شد. اکنون او منتظر صدور حکم خود از دادگاه جمهوری اسلامی است. در انتها

ابراهیم گوهری اعتراض خود را به وضعیت بلاتشکیل خویش اعلام داشته و میگوید که هیچ شغلی ندارد. هیچ در آمدی ندارد و تنها ماهی ۲۰۰ هزار تومان بیمه بیکاری دریافت میکند و این پول در صورتی به او پرداخت میشود که هر ۴ ماه یکبار به اداره کار برود و حضور و غیاب بکند تا پولی بگیرد. او گفت که این پول به هیچ وجه کفاف زندگی وی را نمیکند. جرم کارگران سندیکای شرکت واحد، شرکت در اعتصاب با شکوه زمستان ۸۴ کارگران شرکت واحد برای خواستهای برحق خود، افزایش دستمزدها، حق داشتن تشکل، سندیکای شرکت واحد، انعقاد قراردادهای دسته جمعی و انحلال شوراهای اسلامی در شرکت واحد است.



محمد کاظمی

که در اردوی مخالف تلاش احزاب بورژوازی برای پیشبرد سیاستها بر اساس رقابت هژمونی و تحت انقیاد در آوردن یکدیگر صورت گرفته و برای نیل به هدف از هیچگونه قساوتی فروگذار نمیکنند. وی در ادامه از توافقات اتحادیه های کشورهای کلمبیا و کانادا بعنوان نمونه ای از این همبستگی بین المللی در پاسخ به "اقدامات ضد کارگری دولتهای خویش" یاد میکند. اما همه اینها توهم پراکنی نسبت به "جنبش بین المللی" و "همبستگی بین المللی" است.

واقعیت آنست که توافقات اتحادیه های کشورهای کلمبیا و کانادا کاملا در راستای سیاستهای بورژوازی طبقات حاکم و در راستای سیاستهای ILO بود. این سیاست را من سعی کرده ام در مقاله "سرکوب و کشتار فعالین کارگری در کلمبیا" که در کارگر کمونیست شماره ۹۰ به چاپ رسیده است توضیح دهم. در آنجا گفتم که سازمان بین الملل در مقاله گزارش گونه بعد از آنکه به مسئله سرکوب و کشتار کارگران در کلمبیا می پردازد در پایان توصیه میکنند که "مقامات دولتی کلمبیا، کمپانیهای چند ملیتی و هم چنین جنبش جهانی کارگری باید با دفتر ILO در کلمبیا همکاری کنند تا مطمئن شوند که تمامی موارد تهدید و حمله به فعالین اتحادیه ای و خویشاوندان آنها مورد بررسی قرار می گیرد". در چنین اوضاع و احوالی است که تازه در تابستان سال ۲۰۰۸ چهار نفر از رهبران بلندپایه اتحادیه های کارگری کانادا به کلمبیا میروند. در اینجا برای سهولت کار پارگرافی از آن

"جنبش بین المللی طبقه کارگر" چقدر فشار به این سازمان میآورد. ولی کوهستانی جنبش خود را خوب می شناسد و میدانند که از این جنبش نباید انتظار هیچ معجزه و یا عمل رادیکالی را داشت. اما ایشان مواظب است که از پذیرش سترون بودن جنبش اتحادیه ای شانه خالی کند و تقصیر آن را بعهد ILO می اندازد.

اما تا همین حد باید گفت که آقای کوهستانی از بعضی از فعالین اتحادیه ای حداقل در کانادا، که محل فعالیت اوست، عقب تر است. اجازه بدهید به یک نمونه اشاره کنیم. در ماه ژوئن امسال من و دو تن دیگر از رفقای حزب کمونیست کارگری ایران با پرزیدنت اتحادیه پست کانادا و مسئول روابط بین المللی آن در اتاوا ملاقات کردیم. در آن جلسه از ایشان خواستیم که از کمپین ما در رابطه با اخراج جمهوری اسلامی ایران از ILO حمایت کنند. مسئولین اتحادیه پست در ابتدا و اگر چه عنوان کردند که این خواست در محدوده کاری اتحادیه نمی گنجد ولی برخلاف آقای کوهستانی بما نگفتند که این خواست اصولی نیست. ما در جواب ایشان همان استدلالی را آوردیم که بالاتر در جواب استراتژی "نداشتن انتظار معجزه" کوهستانی به آن اشاره کردم. در پایان این بحث نمایندگان اتحادیه پست با این طرز برخورد ما با مسئله اخراج جمهوری اسلامی سمپاتی نشان داده و گفتند که این مسئله تازه ای است که باید با اعضای خود در میان بگذارند.

نمونه ای از "همبستگی بین المللی طبقاتی"

آقای کوهستانی می گوید: "... ارتباط جهانی جنبش های کارگری کشورهای مختلف با یکدیگر از جایگاه فروش نیروی کار و نیاز به یک زندگانی انسانی و شایسته برمیخیزد. که طبیعتا بر بنیانی طبقاتی استوار است... در صورتی

روایهای رفرمیستی برای طبقه کارگر ایران

عرضه نماید.

اصولی نبودن طرح خواست اخراج ایران از سازمان آی.ال.او.!

آقای کوهستانی معتقدند که: "البته در این مقطع طرح خواست اخراج ایران از این سازمان پیشنهاد اصولی نیست بلکه باید بجای نمایندگان غیر واقعی از وجود نمایندگان واقعی کارگری صحبت شود." در اینجا معلوم نیست ایشان اصطلاح "اخراج ایران" از ILO را از چه نیرویی نقل قول می کنند. نیروهای رادیکال درون جنبش کارگری منجمله حزب کمونیست کارگری همیشه از اخراج دولت جمهوری اسلامی و سازمانهای دست نشانده اش نظیر شوراهای اسلامی و خانه کارگر صحبت کرده اند. باز هم معلوم نیست کدام نیرویی با رفتن "نمایندگان واقعی کارگری" به ILO مخالفت کرده است. آنچه که کوهستانی نمی گوید این است که تا زمانی که طبقه کارگر ایران از تشکلات توده ای خود محروم است، تا زمانی که نمایندگان واقعی کارگران در ایران شلاق میخورند، به زندان می روند و شکنجه میشوند و بطور خلاصه جمهوری اسلامی از رفتن آنها به سازمانهای بین المللی جلوگیری می کند چه نیرویی باید صدای کارگران ایران را در این سازمانها نمایندگی کند؟ کوهستانی برای هیچ کدام از این سوالات جوابی ندارد ولی این را میداند که "نهادهای کارگری از این سازمان انتظار معجزه ندارند". آقای کوهستانی! طبقه کارگر ایران از سازمان ILO انتظار معجزه ندارد ولی وظیفه "نهادهای کارگری" و "جنبش بین المللی" شما چه میشود؟ اگر این نهادهای کارگری و این جنبش بین المللی بعلت ماهیت رفرمیستی و محافظه کارانه

مقدمه

مقاله ای تحت عنوان "ضرورت ارتباط جنبش کارگری ایران با نهادهای بین المللی کارگری از مهدی کوهستانی در تعدادی از سایتهای اینترنتی درج شده است که گرایش و خط شناخته شده ای را در جنبش کارگری نمایندگی میکند. جوهر توصیه های کوهستانی در واقع مهار زدن به رادیکالیسم مبارزاتی طبقه کارگر ایران و مهار کردن این جنبش در چهارچوب سنیدیکالیسم و جنبش اتحادیه ای است. او بطرق مختلف سعی میکند که طبقه کارگر ایران را متقاعد کند که جنبش اتحادیه ای راه هموار شده ای است که کارگران کشورهای دیگر بخصوص کارگران کشورهای غربی پیموه اند و طبقه کارگر ایران نیز باید به این شاهراه رفرمیستی بپیوندند. او از "همبستگی بین المللی طبقاتی" و تجاری مهمی که "می تواند مورد توجه جنبش کارگری ایران قرار گیرد" و از اهمیت رویکرد جنبش کارگری ایران به "جنبش بین المللی کارگری" می نویسد تا هرچه بیشتر کارگران ایران را به فواید این پیوستن آشنا کند. اما آنچه که کوهستانی نمی تواند ببیند آن است که طبقه کارگر ایران با رادیکالیسمش با طیف وسیعی از کارگران پیشرو و سوسیالیستش و با لآخره با حزبش می رود که راه دیگری را برای خود انتخاب کند. کوهستانی جنبش سرنگونی را نمی بیند که هرچه جلوتر می رود خصلت سوسیالیستی اش قویتر میشود. جنبشی که می رود که باردیگر شعار "کارگرفت ماه رهبر سرسخت ما" را بر سر زبانها بیندازد. و با لآخره اینکه طبقه کارگر ایران نه تنها مجبور نیست که به این شاهراه رفرمیستی بپیوندد بلکه می رود تا با مجامع و شوراهای کارگری خود الگوی دیگری را به جنبش بین المللی

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید!

بازگشت کینز؟!...

از صفحه ۱

ایشان بعدها در این کتاب تئوریزه کننده آن شد. کینز که از پیشقروان تئوری‌های دخالت دولت در اقتصاد و بازار است، در واقع به نوعی او را می‌شود پدر خوانده رهبران اتحادیه های کارگری نیز دانست. بعد از جنگ جهانی دوم، بطور مشخص یکی از تئوری‌های او هسته اصلی تری‌دیونینیسیم را تشکیل می‌داد.

کینز بر این عقیده بود که کاهش و زدن از دستمزد کارگران باعث کاهش بحران‌های سرمایه داری نمی‌گردد. از نظر او زدن دستمزد کارگران باعث کاهش قدرت خرید خانواده کارگران می‌شود و این به نوبه خود باعث بحران‌های عمیق می‌گردد. و این تر است که رهبران اتحادیه‌ها را مرید کینز می‌کند. مکتب شیکاگو به سرکردگی میل‌تون فریدمن و فردریک هایک در واقع جنگش با این تبیین از سرمایه داری بود. از نظر این مکتب تکلیف سوسیالیسم و کمونیسم روشن است؛ بلکه "مشکل سرمایه داری این است که به کینز گوش داده است که خود جانی گفته است "جنگ طبقاتی، من را در کنار روشنفکران بورژوا خواهد دید". پائین تر به این اشاره خواهم کرد که در دعوی بین تئورسین‌های سرمایه داری، حق با مکتب شیکاگو است. مکتبی که آدم اسمیت را پشت سر خود دارد. اما

بزرگ در سراسر جهان ورشکسته شدند و همراه با این ورشکستگی ها، میلیون‌ها نفر بیکار و بی‌خانمان شدند. صدها میلیارد دلار پول مالیات به زور گرفته شده از کارگران از آمریکا گرفته تا اروپا به مراکز مالی و صنعتی تزریق شد تا بلکه از سقوط حتی لایه های نه چندان ضعیف تر سرمایه جلوگیری شود!

در این بین رهبران سندیکا‌های غرب هم مشغول جشن و پایکوبی اند. اما نه جشن و پایکوبی ای که بخش عظیمی از اعضای همین سندیکاها با امید "بازگشت مارکس" آن را راه انداخته اند؛ بلکه در بی‌صاحب ماندن آنچه را که به "نئولیبرالیسم" مشهور است، شانس برای "بازگشت کینز" می‌بینند.

جنگ جهانی اول، بحران‌های دوره‌ای سرمایه، انقلاب اکتبر، اعتراضات فزاینده کارگران و احزاب سوسیال دمکرات کارگری قوی، عقب نشینی‌هایی را به بورژوازی تحمیل کرد که بعدها عنوان دولت رفاه بخود گرفت. کسانی دولت رفاه را به غلط حاصل تئوری‌های جان مینارد کینز (John Maynard Keynes) اعلام کرده اند. نطفه های دولت رفاه خیلی پیش از چاپ کتاب اصلی کینز - "تئوری عمومی اشتغال، بهره و پول" - بسته شده بود.

در تقابل سرمایه و کار، آزمایشگاهی به بزرگی این دنیا، ورشکستگی هر دو این تئوری‌ها را به نمایش گذاشته است. اگر جامعه سرمایه داری واقعا می‌توانست بدون دخالت دولت به حیات خود ادامه بدهد، اگر واقعا می‌شد بدون بی‌خانمان کردن بخش عظیمی از جامعه، سرمایه داری را همچنان سر پا نگه داشت، دنیا چه نیازی به دعوای بین کینز و مکتب شیکاگو داشت؟! بدون درجه ای از دخالت دولت و وضع مقررات بر لجام گسیختگی سرمایه، دنیا حتی نمی‌تواند برای یک دوره کوتاه هم شاهد حاکمیت سرمایه باشد. بدون زدن هر روزه از زندگی کارگران هم سرمایه از بحرانی که هر از چند گاهی گریبانش را می‌فشارد، به یک چنین وضعیتی دچار می‌شود که در برابر چشمان همگان در نمایش است. آدم اسمیت در کتاب "ثروت ملل" وقتی که به تشریح حل بحران‌های دوره‌ای سرمایه داری می‌پردازد، دستان نامرئی بازار را می‌بیند و نشان می‌دهد که چگونه سر و سامانی به بحران‌ها می‌دهند و اقتصاد جامعه بورژوازی را بر روی ریل اصلی هدایت می‌کنند. مارکس با پرداختن به این موضوع نشان می‌دهد که چگونه با هر بحرانی دستان نامرئی بازار میلیون‌ها انسان را از زندگی ساقط می‌کند. او در واقع این را از آدم

اسمیت می‌پذیرد که "دستان نامرئی بازار" می‌توانند بحران را از سر سرمایه داری بگذرانند، اما به چه قیمت؟! او این سؤال را مطرح می‌کند که آیا این به نفع همه است؟! کسانی که این نکته ظریف را در کاپیتال مارکس متوجه نمی‌شوند، به این نتیجه می‌رسند که مارکس صرفاً یک اقتصاددان بود و کاپیتال نیز یک کتاب اقتصادی صرف است. مطالعات مارکس در زمینه اقتصادی از این سر نبود که همانند آدم اسمیت، دیوید ریکاردو، جان کینز و میل‌تون فریدمن بخواهد راه حلی برای کاهش بحران‌های سرمایه داری بیابد و کمک کند بحران‌هایش را از سر بگذرانند. مارکس دنبال این بود که چگونه می‌شود از شر این نظام خلاص شد و برای این منظور در اقتصاد سیاسی عمیق شد. حاصل تحلیل و بررسی او در اقتصاد و رابطه آن با سیاست و تفکر و سنتها و فرهنگ و همه اینها این بود و بطور علمی نشان داد که سرمایه داری دچار بحران ذاتی خویش است و این بحران‌ها هر بار که بروز میکنند ابعاد و عمق آنها از دوره‌های قبل بیشتر است. مارکس ثابت کرد که سرمایه داری نمیتواند خود را از بحران‌ها خلاص کند و با هر بحرانی به نابودی خود با انقلابات کارگری نزدیک تر میشود. ابعادی که بحران کنونی سرمایه داری دارد از خود بروز میدهد از هم اکنون

روشن است و تمام مفسرین و تحلیلگران اقتصادی بورژوازی اذعان دارند که از هر نظر از تمام بحران‌های پیشین سرمایه داری وسیعتر و عمیق تر است. بهر رو اگر مسائل کارگری را دنبال کرده باشید، بطور دوره ای به مقوله "بحران اتحادیه‌ها" هم برخورد کرده‌اید. کسانی که این مسئله را مطرح می‌کنند، از هر سری هم که مطرح کنند، از این دو قطبی "توده کارگران" و "رهبران اتحادیه‌ها" که به درست به آن به عنوان دو مقوله جدا از هم می‌نگرند - نمی‌توانند خارج بشوند. این دو قطبی در واقع همان واقعیتی است که امروز جلو چشمان همه به نمایش گذاشته شده است. توده کارگران از بحرانی که گریبان سرمایه را می‌گیرد، انتظار "بازگشت مارکس" را دارد. مارکسی را که دارد روند تغییر مسیر تاریخ را نشان میدهد. اما رهبران اتحادیه‌ها، کسانی که عمری با "قرارداد اجتماعی" (Social Pact) طبقه کارگر را سرگرم کرده اند، هلهله برای "بازگشت کینز" براه انداخته اند. تا زمانی که از کمپ "بازگشت مارکس" شاهد کسانی نباشیم که رهبری شکل‌های کارگری را در دست بگیرند، بحران‌های ادواری سرمایه بخش اعظم قربانی‌هایش از طبقه کارگر و از اعضای تشکلهای کارگری خواهد گرفت.

روایهای رفرمیستی...

از صفحه ۴

مقاله را نقل قول میکنم: "تابستان امسال چهارتن از رهبران اتحادیه های کانادا از کشور کلمبیا دیدن کردند. هدف از این تور مسافرتی به قول خود این رهبران بررسی تخلفات و عدم رعایت حقوق کارگران، وضعیت کاری کارگران و تبادل نظر روی مسئله تجارت آزاد بود. در این سفر، آنها با رهبران اتحادیه های کلمبیا، مقامات دولتی کلمبیا و گروه‌های مخالف دولت و همچنین با سفیر دولت کانادا در کلمبیا ملاقات کردند. این رهبران در بیانیه ای که توسط همگی آنها امضا شده است اعلام داشته اند: کلمبیا همچنان بعنوان خطرناکترین کشورهای زمین برای فعالین اتحادیه های کارگری و حقوق مدنی باقی خواهد ماند. ... ما در بازگشت به کانادا به یک میلیون

اعضای خود و به تمامی مردم کانادا خواهیم گفت که تا زمانی که فعالین اتحادیه‌ها در کلمبیا در معرض خطر قرار دارند و قراردادهای دسته جمعی و سایر حقوق کارگران و حقوق بشر پایمال میشود بستن قرارداد تجارت آزاد با کلمبیا قابل قبول نخواهد بود." واقعا که چه تهدید بزرگی برای دولتهای سرمایه داری کلمبیا و کانادا و چه همبستگی طبقاتی بین کارگران کانادا و کلمبیا! ناگفته نماند که این "تهدیدات" در زمانی صورت می‌گیرند که خود دولت

کلمبیا از قبل بفکر چاره افتاده است. منجمله وزیر حفاظت اجتماعی کلمبیا می‌گوید در سال ۲۰۰۷ سی و چهار میلیون دلار برای حفاظت اختصاصی برای فعالین اتحادیه ای، ژورنالیستها و رهبران سیاسی کنار گذاشته شده است در حالیکه این مبلغ در سال ۲۰۰۰ صد و نود و هفت میلیون بوده است. در اصل دولتهای کانادا، کلمبیا، ILO و اتحادیه های کارگری کانادا همگی دست در دست هم‌دیگر سرکوب کارگران در کلمبیا

را محکوم می‌کنند تا مبادا امنیت سرمایه در کلمبیا بخطر افتد و یا اعتصاب عمومی ۲۰ میلیون نفره سال ۱۹۹۹ تکرار شود. در خاتمه باید گفت که آقای کوهستانی مجبور است که این همه در باره جنبش بین المللی و همبستگی طبقاتی توهم پراکنی کند تا بتواند هر چه بیشتر طبقه کارگر ایران را به پیوستن به این جنبش رفرمیستی تشویق نماید.

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

یادداشتهای یک کارگر "پول را میخواهی چکار!"

اواخر ماه آبان است. دوهفته پیش کارفرمای ما "مرحمت" کرد یک سوم حقوق مان را نقداً داد؛ صد هزار تومان! و فرمود: "فعلاً دستان خالی است همین هم به سختی توانستیم جور کنیم!" در مقابل اعتراض جوابش همیشه گی اش همین است. دو روز پیش اما به ایشان یادآور شدیم: "ماه دارد به پایان میرسد. هنوز حقوق مان را نگرفتیم." متعجب ماند و گفت: "هنوز دو هفته نشده است که پول دادیم! خرجش کردید!!" و ادامه داد: پول را میخواهید چکار؟! ظاهر اما مزاح بود اما در باطن و در عمل واقعاً فکر میکند که ما پول را میخواهیم چکار!

راستش یک وقتیهایی در برخی رمانها و یا در برخی فیلمها راجع به ظلم و ستم یک چیزهای خواننده و یا دیده بودیم؛ برخی از نقادان نیز یادآور میشدند و میخواندند که: "این رمان یا این فیلم بخصوص زندگی را سیاه نشان میدهد مگر میشود یک نفر اینقدر ستمکار باشد. بالاخره او انسان است. علایقی دارد. میشد خاکستری هم نشان داد." اما در پس این مزاح ساده اما بشدت جدی صاحب کار، یک حقیقت وحشتناکی نهفته است و آن است که زندگی سیاه است. آنچنان سیاه که در تصور کسی نمیگنجد.

ستم کاری و ظلم کردن شاخ و دم ندارد. طرف قیافه اش هم هیولا نیست بسیار خوش تیپ و خوش قیافه هم است بر خلاف نقش منفی های سینما؛ شلاق بدست ندارد اما با یک حرف و یا با یک تصمیم که قدرت اجرای آنرا نیز دارد یک جمعیتی را به خاک سیاه مینشانند. نفسش دقیقاً از جای گرم بلند میشود. هیچ شیطان شاخ داری شب درگوشش در خرابه ای نخوانده است که: "تو بد کن." بلکه همه فرشته گان در هنگام نیایش بر

"دکتر فریرز رئیس دانا" نامی آشناست. اقتصاد دان، عضو کانون نویسندگان، روشنفکر چپ! البته تا چپ را چه معنی کنید؛ یکی از منتقدان سرسخت "دولت نهم" است. چرا که به گفته ایشان سیاستهای این دولت برخلاف آنچه ادعا میکند بسیار راست است. و معتقد است این سیاستها باعث "ملقمه ای اقتصادی" شده است. ایشان در مصاحبه با "خبرگزاری ایلنا" بسیار بر آشفته از تصمیمات دولت احمدی نژاد است که به گفته ایشان حتی صدای بازرس مقام رهبری (یعنی خامنه ای) را درآورده است. ایشان معتقد است که این "سرمایه داری سوداگر" است که فقط از روشها و سیاستهای سه دهه گذشته و بخصوص دولت نهم، نفع میبرد. و همین روشها باعث بحران و ملقمه ای اقتصادی شده است. بنابه گفته تمام مشکل در این خلاصه شده است که "این سرمایه داری به مشکل بروکراتیک مبتلاست." و تا این روشها باشد راههایی از بحران ملقمه ای اقتصادی نیست. ایشان با نفس حذق یارانه مشکل ندارد. تمام انتقاد ایشان این است که یک شبه شدنی نیست. اما دولت نهم بدون توجه به عواقب کار میخواهد اینکار را بکند! اما چرا این دولت میخواهد سیخ تو لانه زنبور کند بسیار روشن است فکر میکند دولتی است خشن و بی پروا که میتواند اینکار را بکند. از بس به او گفتند سونامی باورش شده است که کاره ای است! تمام داستان همین است. اقتصاددانانی از جنس ایشان راه و براه، برای احمدی نژاد و دولت نهم نامه میدهند و مدام هشدار میدهند که از عواقب اجتماعی آن بترس.

اما برگردیم سر همین یک نفر اقتصاد دان که دکترا نیز دارد. در انتهای مصاحبه همه دلسوزی او به حال تهیدستان و کارگران و زحمتکشان این است که میشد پول یک طرحی به نام طرح بنگاههای زود بازده را به کارگران داد تا ایجاد اشتغال کنند. باهم بخوانیم: "...بله،

تزیق تقدینگی متعاقب پرداخت این تسهیلات، حتی نگرانی بازرس مقام رهبری را نیز به دنبال داشت. این پولها همانطور که منتقدان نیز میگویند، بیکاران را بدهکار کرده است. با این پول می شد نهادهای صنفی کارگری را تقویت کرد. بدون شک این نهادها بهتر از مبتکران طرح های زودبازده می توانستند اشتغال ایجاد کنند."

دولت نهم در همان ابتدای کارش در یک اقدام کاملاً سیاسی اما به ظاهر اقتصادی طرحی را به اجرا گذاشت و آنرا طرح تسهیلات به بنگاه های زود بازده نامید. دولت به خیال خود با این طرح میخواست قشر وسیعتری از سرمایه داران خرده پا را به سوی خود جلب کند در واقع میخواست با پول آنها را بخرد. برای پرداخت تسهیلات به کارگاه کوچک کافی بود که طرف از طرف اتحادیه صنف مربوطه شان تایید شود که پروانه کار دارد و در ضمن به این وام نیاز مبرم دارد که کارش را گسترش دهد. تایید اتحادیه به راحتی آب خوردن است؛ کافی است که مقداری از آن وام به حساب سران اتحادیه واریز شود. حتی اول درصد آن تعیین میشود که جای شک و شبهه باقی نماند. از این نمد بسیاری برای خود کلاه بافتند و بسیار پول به جیب زدند و اما آن حمایت سیاسی نیز حاصل نشده است که صدای بازرس مقام رهبری و از جمله رئیس سابق بانک مرکزی (مظاهری) درآمد و مدتی به قول خودش به درب صنوبر بانک مرکزی قفل زد. اما صدای این یکی دکترا هم درآمد است. اما تمام دلسوزی او برای کارگران این است که پول را می دادید به خود کارگران تا اشتغال ایجاد شود و صد البته در نهایت حمایت سیاسی هم کسب میشد. این تمام چپ روی ایشان است. این نمونه دیگری از انسانهایی است که ادعای تمدن دارند. این کسی است که همان خشونت صاحب کار من را در عین اعتراض تایید میکند.

چگونه؟ سوالی خوبی است. او که، اگر اشتباه نکنم، در هیئت موسس سندیکاها عضو بود، اگر هم نبود حامی اصلی آن جریان بود؛ تمام تعریف او از تشکل صنفی این است که کارگر خود بتواند استشارش را سازمان دهد! او در همان مصاحبه هشدار میدهد شاید مبارزات کارگران اکنون "کم اثر" باشد اما ساکت نخواهند نشست و کسانی دیگر جای دیگر برخوانند خاست: "در حال حاضر شاید از محل وجوهی که میان افراد نیازمند پخش می شود، منظور از سوی نهادهای ماندتامین اجتماعی است!!!) بتوان حق خواهی کارگران را آرام کرد، اما همیشه یک لایه و یک قشر از جامعه از نظر تاریخی آگاه و هوشیار باقی می ماند تا راه را ادامه دهد." او به واقع اعتراضش به نحوه سازمان دهی استشار است ایشان با این جملات به کی دارد هشدار میدهد؟ سوای آن، کارفرمای محترم ما، علاوه بر دولت بخاطر همین روشنفکران مثلاً دلسوز به حال تهیدستان ته دلش قرص است که هر گونه رفتاری حاکی از ستمکاری را از خود بروز میدهد. چون همیشه کسانی هستند بر این روابط ماله بکشند.

اسانلو هنوز در بنداست

هفته گذشته در راه انتقال اسانلو از زندان به بیمارستان برای معالجه، جلادان سرمایه او را نه تنها به بیمارستان نرساندند بلکه به شدت مضروب کردند و به زندان برگرداندند. این فعال کارگری و ریس سندیکای کارگران شرکت واحد، زمان درازی است که در زندان است. اما گویا هر چند وقت یکبار که خبر ضرب و شتم او به بیرون درز میکند یا بیمار است و خبرش میپیچد به ما یادآور میشود که ایشان هنوز گرفتار دست جلادان است. نمیخواهم بگویم فراموش شده است اما آنچنان که باید و شاید فعالیت نمیشود، آنچنان که برای محمود صالحی شد. هر چند او طول

مدافع کیست و چیست؟

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

با اعتراضی بین المللی ...

از صفحه ۱

سپس این احکام با اعتراضاتی که از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران و سازمانها و نهادهای کارگری و انساندوست در سراسر جهان صورت گرفت ملغی گردید.

- طه آزادی عضو علی البدل هیئت مدیره این اتحادیه در ۱۳ نوامبر (۲۳ آبان) از سوی معاونت دادستانی کنگان احضار و از او خواسته شده است که ظرف هفت روز خود را معرفی کند. طه آزادی قبلاً نیز به جرم شرکت در برگزاری مراسم روز جهانی کارگر امسال در شهر عسلویه در جنوب ایران، به همراه جوانمیر مرادی دستگیر و به مدت ۴۷ روز در بازداشتگاه نیروی انتظامی عسلویه و ستاد خبری و زندان مرکزی شهر بوشهر تحت بازداشت و شکنجه های روحی و جسمی قرار داشت.

- افشین شمس قهفرخی، عضو "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری" و عضو انجمن کاریکاتورسینمای ایران، روز ۱ نوامبر (۱۱ آبان) امسال به یک سال حبس تعزیری محکوم شد.

- رضا عبدی سنبل آبادی دبیر منطقه نازی آباد تهران در شعبه ۱۰۵۹ به

اتهام شرکت در تجمعات اعتراضی معلمان در ۹ مه ۲۰۰۷ (۱۹ اردیبهشت ۸۶) در مقابل مجلس به پنج ماه زندان و ۲۰ ضربه شلاق محکوم شد. که مقرر شده است در مقابل ۵ ماه حبس مبلغ دو میلیون ریال و در برابر ۲۰ ضربه شلاق، مبلغ پانصد هزار ریال جزای نقدی پرداخت کند.

- هیات مدیره سندیکای کارگران هفت تپه به اتهام غیرقانونی بودن تشکیل سندیکا مورد تهدید قرار گرفته اند.

- رهبران اعتراضی کارگران کارخانه کیان تایر در تهران بارها مورد تهدید و فشار قرار گرفته اند، و...

اینها همه طی یک ماه اخیر اتفاق افتاده است.

و اینها در شرایطی است که دستمزد کارگر طبق آمار خود دولت یک سوم خط فقر است و همین دستمزد نیز ماهها پرداخت نمیشود و کارگران برای دریافت هرماه دستمزد چندین بار

اعتصاب و اعتراض میکنند تا بخشی از حقوق معوقه خود را دریافت کنند و هر تلاشی برای متشکل شدن، هر تلاشی برای سازماندهی یک اعتصاب در مقابل این وضعیت با تهدید و سرکوب رهبران کارگری مواجه میشود. و تلاش برای برپایی اول مه با شلاق و زندان پاسخ میگیرد. و این رفتار سرکوبگرانه جمهوری اسلامی در هفته های اخیر شدت یافته است. جمهوری اسلامی فشار را شدت میدهد تا با ارباب کارگران شرایط اقتصادی به مراتب غیرقابل تحمل تری را به آنها تحمیل کند.

در ایران کارگران ماهها دستمزد دریافت نمیکند، سطح دستمزدها بسیار نازل است و گرانی بیداد میکند، کارگر حق تشکل و اعتصاب ندارد. و هر اعتراضی و هر گونه تلاشی برای متشکل شدن با سرکوب دولت و زندان پاسخ میگیرد. کارگر بخاطر برپایی مراسم اول مه حکم زندان و شلاق میگیرد. دولت رهبران

کارگری را مورد تهدید و فشار قرار میدهد تا کل جامعه را عقب براند. امروز بیش از هرفت کارگران در ایران به یک همبستگی جهانی نیاز دارند.

خواست آزادی فوری طیب ملایی، منصور اسانلو و تمامی زندانیان ساسی از زندان هستیم، اخراج جمهوری اسلامی این نظام ضد انسان و ضد کارگر از سازمان جهانی کارگر و تمامی مراجع جهانی هستیم. توقف فوری فشار و تهدید رهبران کارگران و فعالین سیاسی خواست همه کارگران در ایران است.

کمیته همبستگی بین المللی کارگری از تمامی سازمانهای کارگری در سطح جهان انتظار دارد از این خواستها و از مبارزات برحق مردم ایران علیه این رژیم جنایتکار اسلامی حمایت کنند.

شهلا دانشفر
کمیته همبستگی بین المللی کارگری
حزب کمونیست کارگری ایران

به سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه

نمایندگی از ۵۶ هزار عضو اتحادیه کارگران پست کانادا، من این پیام را مینویسم که به شما بخاطر انتخبات موفقیت آمیز هیئت مدیره و دیگر نمایندگان سندیکا برای نخستین بار پس از بیش از دو دهه تبریک بگویم. میخواهم از شما بخاطر تلاش

شجاعانه در ایجاد یک تشکل مستقل کارگری قدردانی کنم. ما حمایت و همبستگی خود را به شما اعلام میکنیم.
ما این پیام را همچنین برای دولت ایران ارسال میکنیم و از دولت میخواهیم که حقوق کارگران مبنی بر حق تشکل، اجتماع و اعتصاب را

انفجار مهیب در پالایشگاه نفت آبادان

یکی از کارگران جان خود را از دست داد

بنا به خبری که به حزب کمونیست کارگری رسیده است روز دوشنبه ۲۷ آبانماه نزدیک ساعت ۱۱:۳۰ صبح انفجار مهیبی در بخش گاز مایع پالایشگاه نفت تهران رخ داد که موجب آتش سوزی شدیدی شد. این آتش سوزی حدود ۴ ساعت ادامه داشت و در نتیجه این اتفاق ناگوار کارگر جوانی بنام اسماعیل بیگدلی ۲۱ ساله در اثر انفجار و شدت آتش سوزی جان باخت و تعداد ۵ کارگر دیگر دچار

موج گرفتگی و سوختگی گردیدند. این آتش سوزی نزدیک ظهر رخ داد و اکثر کارگران برای صرف نهار رفته و در محل حضور نداشتند. در این اتفاق ناگوار خراست پالایشگاه از ورود خبرنگاران به محل آتش سوزی ممانعت به عمل آورده و مانع ورود آنان به محل وقوع واقعه شدند. خراست پالایشگاه حتی از ورود ماموران امنیتی رژیم که قصد ورود به محل را داشتند جلوگیری میکردند و

یادداشتهای یک کارگر ...

عمرها به جای از صفحه ۶
نخواهیم رسید هر چند کسی انتظاری از امثال ایشان ندارد اما میخواهم هشدار دهم که نباید اسانلو فراموش شود و دیگر فعالین کارگری که در بند این رژیم جلا هستند. میخواهم مشخصا پیشنهاد کنم چندین و چند برنامه زنده در تلویزیون کانال جدید گذاشته شود که مستقیماً به اسانلو پردازد و دیگر فعالین کارگری در بند.

دوران زندان خود را گذرانده اما جنبش حمایت از ایشان نگذاشته که ایشان را برای مدت طولانی تر که قصد داشتند نگه دارند در بازداشت نگه دارند. اسانلو شایسته آن است که بیشتر از او حمایت شود. باید روزگار را بر اینها سیاه کرد. یک روز هم یک روز است. باید متحدانه و بیشتر از پیش برای آزادی او فعالیت کرد. اگر به انتظار امثال رئیس دانا بنشینیم که کاری کنند

محترم بدارد، و به ایذا و اذیت فعالین کارگری خاتمه دهد و از دخالت در امور و فعالیتهای تشکلات مستقل کارگری خودداری نماید.

در همبستگی،
دنیس لیملین،
رئیس سراسری
اتحادیه کارگران پست کانادا

همین مسئله موجب درگیری بین ماموران امنیتی و ماموران خراست گردید. کارگر کمونیست جانباختن اسماعیل بیگدلی را به خانواده و بستگان و به همکاران و همه کارگران تسلیت میگوید. با شرکت وسیع خود در گرامسیداشت این کارگر جوان اعتراض خود را به نایمینی محیط کار اعلام کنیم. باید خانواده اسماعیل بیگدلی تحت پوشش تامین اجتماعی قرار گیرند و به آنها خسارت پرداخت شود. باید کارگران زخمی شده در این اتفاق ناگوار تحت بهترین امکانات درمانی قرار گیرند.

آدرس تماس و مشخصات فنی کانال جدید به این شرح است:

ماهواره هات برد ۸
فرکانس ۱۲۳۰۳ مگاهرتز
سیمبل ریت ۲۷۵۰۰
اف ای سی ۳/۴
پلاریزاسیون عمودی (Vertical)
سایت کانال جدید:

<http://www.newchannel.tv>

kanaljadid@yahoo.com

tv.international@yahoo.com

آدرس تماس:

زنده باد شورا!

مانور نیروهای حکومت ...

از صفحه ۱

مردم و حزبشان کار این حکومت را به کجا کشیده اند.

اعتراف حکومت به ناتوانی در برابر مردم

مانور همیشه يك جنگ روانی با دشمن پیش از شروع جنگ واقعی است. ارتشی که وسط جنگ واقعی به صرافت مانور دادن می افتد دارد اعتراف میکند که در جنگ واقعی فی الحال باخته است. اینها اعتراف میکنند که دشمنی که قرار است در برابر او مانور داده شود کارگران و مردم حق طلبند و اینها هستند که قرار است "بحران اجتماعی بیافرینند. اما مگر این حکومت در تمام طول حیاتش تاکنون در جنگ با مردم نبوده است؟ مگر زندانهای سیاسییش را از فرزندان مردم پیر نکرده است؟ مگر عریده کسان حزب اللهیش را مدام به خیابانها نفرستاده تا به زنان و دختران و پسران حمله کنند؟ مگر نیروی انتظامیش را سراغ کارگران اعتصابی گسیل نکرده است؟ این حکومت تماما يك حکومت ضد انقلاب بوده است و تماما به همین شکل در برابر مردم عمل کرده است. سرکوب کرده، اعدام و شکنجه کرده، زندانهای سیاسی را از کارگران و مردم معترض پرکرده، و علیه مردم بارها قشون کشی کرده است. این حکومت اساسا و از همان ابتدا بعنوان حکومت ضد انقلاب در برابر انقلاب مردم در سال ۵۷ قد علم کرد و به سر کار کشیده شد. جوخه های اعدامش را در سراسر ایران براه انداخت. کردستان را با یورش و لشکر کشی هایش به ویرانه ای تبدیل کرد و هرچه میتوانست از مردم انقلابی کشت و سرکوب کرد. احمدی نژادها و پورمحمدی ها، و اژه ای ها، و صفار هرنندی ها و کل شکنجه گران و تیر خلاص زنها و پاسدارانش را همین سه سال پیش بعنوان دولت با بند بازی سرکار کشید تا همین پیام را به مردم بدهد و مرعوب کند. تمام ماشین حکومتی در این سی ساله علیه مردم و انقلاب مردم سازمان داده شد و صیقل پیدا کرد. چه شده است که همین حکومت

بروز خشم همه مردم را بطور جدی تقویت کرده است. طبعاً تك تك اعتراضات و تظاهراتها و تجمعات همه بخشهای مردم و بویژه اعتصابات و اعتراضات دانشجویان که بسیار گسترده و رادیکال عمل کرده، و حتی اعتراضات و فحش دادنها و به تمسخر گرفتن مزدوران حکومت در خیابانها و امثال اینها، نقش ویژه خود را ایفا کرده اند و ایفا میکنند و باید و میتوانند گسترده تر شوند. اما هزاران اعتصاب کارگری، که بطور پیوسته هرروز در گوشه ای سر برآورده، آن محور اساسی بوده که تمام این اعتراضات و جدالها را بهم پیوند داده و جنب و جوش و التهاب را در جامعه زنده نگه داشته و تقویت کرده است.

در برابر مانور و لشکرکشی حکومت و اعتراف این حکومت به نزدیک شدن بحران گسترده اجتماعی، این مهم است که کارگران پیام حکومت را جدی بگیرند. باور کنند که میتوان این حکومت را بسیار بیش از اینها به عقب راند. اعتصاب راهکار اصلی مقابله با حکومت و ایجاد فضای گسترده و سراسری اعتراض است. میتوان با اعتصابات و مبارزات گسترده و سراسری حکومت را بسیار بیش از اینها عقب راند. میتوان با اعتصابات و مبارزات گسترده و سراسری حکومت را به جایی رساند که حکومت با عقب نشینی های پی پی هرچه بیشتر به سراشیب سقوط بیفتد. میتوان با اعتصابات گسترده و پی پی تحولی اساسی تر را در جامعه ایجاد کرد. میتوانیم با بهم پیوستن اعتصاباتمان در قدم اول بسیاری از خواسته هایمان را به حکومت و مفتخوران سرمایه دار تحمیل کنیم. و در گام بعدی کار را با همان "بحران اجتماعی" یعنی به جریان انداختن انقلابی برای جارو کردن کل این بساط جنایت و چپاول، تمام کنیم. زندگی زیر خط فقر را نباید بیش از این قبول کرد. بی مسکنی و گرانی و بی تأمینینی و بیکاری گسترده را نباید بیش از این تحمل کرد. موجی از حق خواهی را باید به جریان بیندازیم. نگاه جامعه امروز به کارگران است. و وقتی از کارگران

صحبت میکنیم منظور در واقع اکثریت مردم است. یعنی کارگران در کارخانه ها، کارگران و مردم بیکار و جوانان آماده کار، یعنی معلمان و پرستاران و کل مردم زحمتکشی که ناچارند با فروش نیروی کار خود، زندگی کنند. کارگران باید با پافشاری بر خواسته های بحق خود هرچه وسیعتر پا به میدان بگذارند. اعتصاب راهکار مهم امروز جامعه در برابر جمهوری اسلامی است. و کارگران ستون تحول و اعتراض و تقابل با حکومت و طبقه مفت خور حاکمند. این را در دو سه سال اخیر توده های زحمتکش مردم هرچه وسیعتر باور کرده اند. و این نیز يك پیشروی مهم در فضای سیاسی جامعه است.

رهبران بخشهای مختلف کارگران و معلمان و پرستاران در این میان طبعاً نقش ویژه و مهمی دارند. امروز جا دارد که اعتصابات اولاً نقشه مند تر و سازمان یافته شوند. مجمع عمومی بعنوان ستون اعتصاب بسیار جدی تر گرفته شود و توده کارگران از طریق مجامع عمومی منظم خویش نه فقط در اعتصابات نقش مستقیم ایفا کنند بلکه این مجمع عمومی ها را به ارگان تصمیم گیری در کارخانجات و محلهای کار تبدیل کنند. شانیا باید تلاش کرد که اعتصابات سراسری برای خواسته های سراسری را به جریان انداخت. باید تلاش کنیم خواسته هایمان سراسری تر طرح شود. باید تلاش کنیم خواسته هایمان تعرضی تر شود و توقعات و انتظاراتمان از زندگی را با صدای رسا ابراز کنیم. نه فقط حقوقها و دستمزدهای پرداخت نشده چند میلیون کارگر باید فوراً پرداخت شود، بلکه دستمزدها باید چندین برابر افزایش یابد. حق مسکن و بیمه بیکاری مکفی و تأمینات اجتماعی و بیمه بازنشستگی و سایر خواسته های برحق مان را باید در برابر جامعه طرح کنیم و با اعتصاب و مبارزه و تظاهرات از آن ها دفاع کنیم. فاز تازه ای را در مبارزه با حکومت توحش اسلامی سرمایه دارن باید گشود. فازی که خواسته های قلبی و پیشرو کارگران و مردم رو می آیند و

مستقیماً طرح میشوند. فازی که کيفرخواست علیه کل دم و دستگاه و نظام حاکم با خواسته های مشخص و با شعارهایی رادیکال در همه جا میجوشد. و فازی که راهی برای بقا برای حاکمیت توحش و مذهبی سرمایه داران باقی نمیگذارد.

و بعلاوه و مهمتر از همه باید حزی که تمامی خواسته های انسانی کارگران و مردم را با برنامه ای روشن و با پراتیکتی رادیکال و پیشرو نمایندگی میکند باید آشکارا از جانب بخشهای هرچه وسیعتری از کارگران انتخاب شود. حزب کمونیست کارگری نماینده پیگیری جنبش رادیکال و سرنگونی طلبی و حق خواهی در جامعه است و نقش اساسی ای در تداوم و پیشروی مبارزه کارگران و توده های محروم مردم علیه حکومت اسلامی ایفا کرده است. پیشروی بیشتر این مبارزه و عقب راندن جدی حکومت اسلامی در گرو نقش رهبری کننده این حزب در این مبارزه است. حزب سیاسی ای که بدون ذره ای تردید و مامشات و با درایت و تیزبینی افق روشن و امیدبخشی را در برابر جامعه قرار دهد، شرط اساسی هرگام پیشروی و پیروزی است. این حزب باید توسط تمامی کارگران پیشرو انتخاب شود. باید به عنوان فاکتور سیاسی مهمی در اوضاع سیاسی ایران اهمیت و جایگاه آنرا دید و به همه کارگران نشان داد. امروز هر تحول اساسی و جدی به نقش حزب کمونیست کارگری بعنوان نماینده انقلاب کارگران و مردم گره خورده است.

در يك کلام باید مانور ضد شورش جمهوری اسلامی و اعتراف آشکار این حکومت به نزدیک شدن "بحران اجتماعی" را جلوی چشم همه کارگران و مردم گذاشت تا قدرت خویش را بیش از پیش ببینند و فعالانه و نقشه مند و با برنامه ای روشن وسیعاً پا به میدان بگذارند. و با گسترش اعتراضات و اعتصابات بزرگ و کوچک خود دست به کار مبارزه ای گسترده برای به زیر کشیدن حکومت شوند.

چند خبر از اعتراضات و بیکارسازی کارگران در سطح جهان

افزایش نگران کننده نرخ بیکاری در آمریکا

آماري که در آمریکا انتشار شده، حاکی از این است که نرخ بیکاری در این کشور در ماه اکتبر افزایش قابل توجهی یافته و به ۶.۵ درصد رسیده است.

یک چنین نرخ بیکاری از ۱۴ سال قبل تاکنون در آمریکا بی سابقه بوده است و نشان می دهد که در ماه اکتبر، ۲۴۰ هزار نفر در این کشور بیکار شده اند.

تعداد بیکاران در ماه های اوت و سپتامبر گذشته نیز به مراتب بیشتر از آن بود که قبلا تصور می شد.

تعداد بیکاران آمریکا در حال حاضر بیش از ۱۰ میلیون نفر تخمین زده می شود که حاکی از افزایش دو میلیون و ۸۰۰ هزار به تعداد بیکاران آمریکا در یک سال گذشته است.

آمار جدید تایید کننده این نگرانی است که اقتصاد آمریکا احتمالا دچار رکود است، روندی که در ماه های اخیر محسوس بوده است.

نرخ بیکاری در آمریکا در آغاز سال جاری میلادی کمتر از ۵ درصد بود.

همزمان با انتشار آمار بیکاران در آمریکا، کارخانه اتومبیل سازی آمریکایی فورد اعلام کرد که در سه ماهه سوم سال ۲۰۰۸ حدود ۳ میلیارد دلار ضرر کرده است.

مقامات کیمانی فورد می گویند که تا پایان ماه ژانویه سال ۲۰۰۹، میزان مخارج و حقوق کارمندان خود را ده درصد دیگر کاهش خواهند داد که به معنی بیکار کردن کارمندان بیشتری خواهد بود.

بخشی از تحلیلگران می گویند سرمایه گذاران به تدریج به این نتیجه می رسند که ممکن است آمریکا با عمیق ترین و طولانی ترین رکود اقتصادی مواجه شود.

سازمان بین المللی کار هشدار داده است که بحران مالی جهانی

ممکن است تعداد بیکاران در جهان را ۲۰ میلیون نفر افزایش داده و تا پایان سال ۲۰۰۹ شمار بیکاران در جهان به ۲۱۰ میلیون نفر برسد.

سازمان بین المللی کار همچنین پیش بینی کرده که ۴۰ میلیون نفر نیز به شمار گرسنگان در جهان اضافه خواهد شد و این افراد ناچار خواهند بود با پولی کمتر از یک دلار در روز زندگی کنند.

سازمان مورد بحث می گوید دولت ها پس از نجات بانک ها اکنون باید توجه خود را بر یک طرح نجات اقتصادی برای ایجاد اشتغال و اجتناب از بحران اجتماعی متمرکز کنند.

۵۵ هزار نفر به تعداد بیکاران کانادایی افزوده شد

موسسه آمار کانادا اعلام کرد، تعداد بیکاران این کشور طی ماه جولای بیش از ۵۵ هزار نفر افزایش یافت که این بدترین عملکرد بازار کار کانادا طی ۱۷ سال اخیر به شمار می رود.

به گزارش نشنال پست، افزایش چشمگیر تعداد بیکاران کانادایی در طول یک ماه، از زمان رکود اقتصادی سال ۱۹۹۱ تا کنون بی سابقه بوده است. بیش از ۴۸ هزار نفر از بیکاران پیش از این در بخش خصوصی مشغول به فعالیت بوده اند. ۲۰ نفر از ۲۲ اقتصاددانی که در نظرسنجی اسکوتیا بانک شرکت کردند، بر این باورند که شرایط اشتغال در کانادا تا پایان امسال به مراتب بدتر خواهد شد. نرخ بیکاری کانادا طی ماه ژوئن به بیش از ۶/۲ درصد رسیده است. طی دوازده ماه گذشته بیش از ۸۸ هزار نفر در بخش صنایع کانادا شغل خود را از دست داده اند.

جیم فلاهرتی، وزیر دارایی کانادا در این باره گفت: شرایط نامساعد اقتصاد جهانی تاثیرات منفی زیادی بر اقتصاد کانادا داشته است. خانواده های کارگران باید ما را در نگرانی خود شریک بدانند.

این در حالی است که بانک مرکزی کانادا ماه گذشته نسبت به آثار منفی افزایش تورم بر اقتصاد این کشور هشدار داد.

بحران در صنعت تولید کاغذ در فنلاند و بیکار شدن ده هزار نفر

بحران در صنعت تولید کاغذ در فنلاند به علت کاهش میزان تقاضا و افزایش قریب الوقوع مالیات صادرات چوب از سوی روسیه تاکنون موجب حذف ده هزار فرصت شغلی شده است.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، کارخانه های مهم تولید کاغذ در فنلاند از جمله استورا انسو Stora Enso و یوپی ام کیمن-UPM Kymmene که جزو تولیدکنندگان اصلی کاغذ در جهان به شمار می روند در روزهای اخیر اعلام کردند میزان تقاضا در بازار به شدت کاهش یافته است. این در حالی است که بهای ماده اولیه به خاطر افزایش تعرفه های گمرکی صادرات چوب روسیه از سال ۲۰۰۶ تاکنون روند صعودی داشته است.

کارخانه های تولید کاغذ در فنلاند که از سال ۲۰۰۴ نزدیک به ده هزار فرصت شغلی را حذف کرده اند هشدار داده اند ممکن است در آینده موج جدیدی از اخراج ها را داشته باشند و بسته شدن برخی از کارخانه ها نیز دور از ذهن نخواهد بود.

اعتصاب و تظاهرات نزدیک به نیم میلیون کارگر در آلمان

اعتصاب کارگران متال آلمان از اول نوامبر آغاز شد. بزرگترین اعتباده صنایع آلمان با مطالب افزایش دستمزدها در سراسر آلمان فراخوان اعتراض و اتصاب داد. این اعتباده ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار کارگر را نمایندگی میکند.

در ۵ نوامبر ۱۱۵۰۰۰ کارگر دست از کار کشیده و به تظاهرات پرداختند. در همین حال ۱۰۰۰۰ کارگر جنرال موتورز از ۳ کارخانه

بزرگ مختلف به تظاهر کنندگان پیوستند. اتحادیه خواهان ۸ درصد افزایش حقوق شده است.

در روز جمعه ۷ نوامبر ۴۰۰۰۰ کارگر دست به تظاهرات زدند.

اتحادیه کارگران اعلام کرده اند چنانچه به مطالبات آنها رسیدگی نشود، ۱۷ نوامبر اعتصاب سراسری در کل کشور خواهند داشت.

۷۰۰۰ کارگر راه آهن رومانی دست به اعتصاب زدند

روز جمعه ۷ نوامبر حدود ۷۰۰۰ کارگر راه آهن رومانی در اعتراض به شرایط کارشان دست به یک اعتصاب ۶ ساعته زدند.

اعتصاب سراسری در یونان

آتن - اعتصاب سراسری از سحرگاه سه شنبه (۲۱ اکتبر) در سراسر یونان با شرکت کارکنان دولتی و بخش خصوصی شروع شد. این اعتصاب سراسری به ابتکار اتحادیه سراسری کارگری (یسه) و اتحادیه کارمندان (ادی) برگزار شده است.

بر اثر این اعتصابات ۲۴ ساعته، افزون بر تعطیلی تمام ادارات دولتی و خصوصی، جمعیت بسیار زیادی در میدان اصلی شهر آتن پایتخت یونان و دیگر شهر های این کشور تجمع کرده و در حال شعار دادن علیه سیاست های اقتصادی دولت می باشند.

تظاهر کنندگان پارچه نوشته های "کارگران و کارمندان دیگر طاقت گرانی را ندارند" و "اجرای اصلاحات در سیستم بیمه های تامین اجتماعی را متوقف کنید" را با خود حمل می کنند.

این اعتصابات به نشانه مخالفت با اجرای اصلاحات در سیستم تامین بیمه های اجتماعی، گرانی سرسام آور و افزایش نرخ بیکاری برگزار شده است. به دنبال این اعتصابات تمامی پرواز های داخلی و خارجی لغو شدند و وسایل

نقلیه عمومی برای جابجایی تظاهر کنندگان چند ساعت کار خواهند کرد.

شبکه های تلویزیونی نیز اعلام کردند که به دلیل حضور خبرنگاران در اعتصابات ۲۴ ساعته برنامه اطلاع رسانی پخش نخواهد شد و برنامه تلویزیون تغییر کرده است.

بیمارستانها نیز فقط بیمارهای اورژانسی را می پذیرند دانشگاهها و مدارس سراسر کشور تعطیل هستند، اداره مخابرات و برق از ارائه خدمات خود داری می کنند.

بر اثر این اعتصابات و تظاهرات مشکلات فراوانی برای تردد وسایل نقلیه شخصی بوجود آمده است و راههای اصلی شهر آتن کاملا بسته می باشند.

کارگران تلسترای استرالیا آماده اعتصاب میشوند

اتحادیه کارگران ارتباطات، الکتریک و لوله کشی اعلام کرده اند چنانچه مطالبات این اتحادیه برای افزایش دستمزد کارگران شبکه تلفنی تلسترا را قبول نکنند ماه آینده دست به اعتصاب خواهند زد. بیش از ۱۰۰۰۰ از کارگران تلسترا برای اعتصاب ماه آینده آماده میشوند.

اعتصاب تازه کارگران خطوط آهن در فرانسه

روز ۱۴ نوامبر (۲۳ آبان) کارگران خطوط آهن ملی فرانسه اعتصابی که برای آن مهلت پایانی تعیین نشده است را در اعتراض به طرح نیکولا سارکوزی برای اصلاح نظام بازنشستگی آغاز کرده اند. بدین ترتیب کارمندان خطوط آهن در ساعت هشت شب به وقت محلی دست از کار کشیدند و در نتیجه آن رفت و آمد هزاران مسافر در صبح روز چهارشنبه متوقف شد. این در حالیست که کارمندان شرکت های برق و آب نیز اعتصاب کرده اند و گفته میشود که ممکن است آموزگاران و سایر کارمندان دولت نیز در روز ۲۰

اخبار اعتراضات کارگری در ایران

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه خواهان رسمی شدن کارگران قراردادی شدند

تهدید اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه از سوی مدیریت شرکت

روز ۲۰ آبان اعضای هیئت مدیره سندیکای هفت تپه در رابطه با بخشی از مطالبات کارگران از جمله رسمی کردن کارگران موقت که بیشتر آنها بیش از ۱۰ سال سابقه دارند و همچنین درباره مواردی از قبیل افزایش حق مسکن و قانون مند کردن واگذاری خانه های سازمانی و... جلسه ای با مدیریت شرکت (یعقوب شفیعی) برپا کردند.

در این جلسه شفیعی مدیر شرکت به کارگران گفت که وزارت خانه های صنایع و کارواطلاعات به وی اعلام کرده اند که سندیکای هفت تپه غیرقانونی است و مدیریت حق برگزاری جلسه با اعضای هیئت مدیره سندیکاراندازد. او نمایندگان کارگران را تهدید کرده و هشدار داده که ممکن است با آنها برخورد قانونی شود. اعضای سندیکا ایجاد سندیکا را حق خود دانسته و با استناد به مقاوله نامه های ۹۸ و ۸۷ سازمان جهانی کار گفتند که کشور ایران از امضا کنندگان این مقاوله نامه هاست و ماحق خود میدانیم که نام و کیفیت تشکیل خود را تعیین کنیم. وی سازی به تایید هیچ مرجعی نیست. بنا به گزارشهای منتشر شده این جلسه پس از نیم ساعت بدون هیچ گونه توافقی به پایان رسید.

اعتصاب کارگران سیلان پارچه در اعتراض به ۸ ماه دستمزد پرداخت نشده

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران (سایت اتحاد)، کارگران سیلان پارچه از روز شنبه ۶ آبان دست از کار کشیده و در مقابل ساختمان اداری بصورت روزمره دست به تجمع میزنند. این اعتصاب از سالن

مقدمات (ایندیگو) این کارخانه شروع و سپس کارگران تمامی قسمتها به آن پیوستند. کارگران رسمی این کارخانه از اول فروردین ماه امسال و کارگران قراردادی آن از بهمن ماه سال گذشته تا کنون دستمزدهای خود را دریافت نکرده اند.

با شروع اعتصاب و تجمع کارگران سیلان پارچه، کارفرمای این کارخانه به میان کارگران آمده و از آنها خواست تا بر سر کار بازگردند و در آذر ماه دستمزدهای خود را دریافت کنند اما تاکنون کارگران این وعده را قبول نکرده و اعلام نموده اند تا دریافت دستمزدهایشان بر سر کار باز نخواهند گشت. کارگران این کارخانه بدلیل وضعیت مشقت باری که دارند و خلف وعده های مکرر کارفرما، از پذیرش چک جهت دریافت دستمزدهایشان در آذر ماه نیز خودداری کرده اند.

بنا بر اظهار کارگران این کارخانه، تاکنون هیچیک از مسئولین اداره کار و یا استانداری در رابطه با این کارگران کاری انجام نداده و از زمان شروع اعتصاب هیچ مسئولی به میان آنان نیامده است.

بنا به اظهار یکی دیگر از کارگران این کارخانه، آثار سوء تغذیه شدید در چهره اکثر کارگران این کارخانه به نحو بسیار بارزی مشهود است و آنان از لحاظ معیشتی در وضعیت بسیار فلاکت باری قرار دارند. کارخانه سیلان پارچه بیش از هزار نفر کارگر زن و مرد دارد و اعتراضات تاکنونی آنان در رابطه با عدم پرداخت دستمزدهایشان هیچ نتیجه ای نداده است.

۵ نفر از کارگران شرکت واحد حکم زندان گرفته اند

دادسرای انقلاب شعبه ۴ ابرای ۴ نفر از اعضای هیات مدیره و یک نفر از بازرسین سندیکای کارگران شرکت واحد به نامهای سعید تریبان، علی زاد حسین، عباس نژاد کودکی، یعقوب سلیمی و عطا باباخانی

(بازرس) صادر کرده است.

از سوی دیگر گروهی یکی دیگر از اعضای سندیکای شرکت واحد مورد محاکمه قرار گرفت. او در این رابطه در گفتگو با خبرنگار « باید یکی شویم » میگوید: « من ۶ و ۷ همین ماه برای محاکمه به دادگاه رفته بودم ششم دادگاه شعبه ۱۷، جرمم شرکت خانوادگی در پارک چیتگر بود اما به علت حضور نداشتن معاون دادستان محاکمه انجام نشد. هفتم هم رفته بودم شعبه ۱۴ در مورد دستگیری سال ۱۳۸۴ بود که بعد از چندین بار مراجعه به دلائل مختلف و بهانه های مختلف محاکمه صورت نگرفته بود ولی این بار با حضور وکیل آقای صالح نیکفرد محاکمه انجام شد و البته حکمش را هم الان ندادند و گفتند بعدا اعلام خواهد شد معلوم نیست کی؟! »

من به این وضعیت بلاتکلیف اعتراض دارم. من در حال حاضر هیچ شغلی ندارم. هیچ درآمدی ندارم و تنها ماهی ۲۰۰ هزار تومان بیمه بیکاری دریافت میکنم. تازه این پول در صورتی به من پرداخت میشود که هر ۴ ماه یکبار بروم اداره کار حضور و غیاب بکنم تا یک پولی به من بدهند. این پول به هیچ جای زندگی من نمیرسد.

در این رابطه کمیته همبستگی بین المللی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران نامه ای به اتحادیه های کارگری در سراسر جهان نوشت و خواهان اقدامی اضطراری در اعتراض به این احکام گردید. همچنین از سوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی به عفو بین المللی و سازمانهای انساندوست در سراسر جهان نامه ای در همین رابطه ارسال گردید و در این نامه بر خواست محکوم کردن جمهوری اسلامی بخاطر صدور احکام زندان و شلاق برای کارگران و اخراج آن از سازمان جهانی کار و مراجع بین المللی تاکید گردید. صدور این احکام در ایران نیز مورد اعتراض کارگران قرار گرفت و اتحادیه

آزاد کارگران ایران طی اطلاعیه صدور این احکام را محکوم کرد. صدور این احکام در حالی صورت میگیرد که منصور اسانلو رئیس هیات مدیره سندیکای شرکت واحد بیش از یکسال است در زندان است.

جرم همه این کارگران شرکت در اعتصاب با شکوه زمستان ۸۴ و مبارزه برای خواستههای برحق خود، حق داشتن تشکل و تشکیل سندیکای شرکت واحد، انحلال شوراهای اسلامی، قراردادهای دسته جمعی و افزایش حقوقها بوده است.

در این رابطه کمیته همبستگی بین المللی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران نامه ای به اتحادیه های کارگری در سراسر جهان نوشت و خواهان اقدامی اضطراری در اعتراض به این احکام گردید. همچنین از سوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی به عفو بین المللی و سازمانهای انساندوست در سراسر جهان نامه ای در همین رابطه ارسال گردید و در این نامه بر خواست محکوم کردن جمهوری اسلامی بخاطر صدور احکام زندان و شلاق برای کارگران و اخراج آن از سازمان جهانی کار و مراجع بین المللی تاکید گردید. صدور این احکام در ایران نیز مورد اعتراض کارگران قرار گرفت و اتحادیه آزاد کارگران ایران طی اطلاعیه صدور این احکام را محکوم کرد. صدور این احکام در حالی صورت میگیرد که منصور اسانلو رئیس هیات مدیره سندیکای شرکت واحد بیش از یکسال است در زندان است و جرم همه این کارگران شرکت در اعتصاب با شکوه زمستان ۸۴ و مبارزه برای خواستههای برحق خود، حق داشتن تشکل و تشکیل سندیکای شرکت واحد، انحلال شوراهای اسلامی، قراردادهای دسته جمعی و افزایش حقوقها بوده است.

افشین شمس به یک سال زندان محکوم شد و محمد جراحی به دادگاه احضار گردید

افشین شمس از اعضای کمیته

هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری به یک سال زندان محکوم شد و محمد جراحی از اعضای کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری در تبریز به دادگاه احضار گردید.

۱۵۰ نفر از کارگران کارخانجات نورد لوله و پروفیل ساوه بدلیل اعتصاب از کار اخراج شدند.

پس از اعتصاب کارگران کارخانجات نورد لوله و پروفیل ساوه در اسفند ماه سال ۸۶ و علیرغم وعده هایی که همانموقع کارفرما و مسئولین دولتی برای تحقق خواست کارگران مبنی بر ایجاد تشکل و توقف اخراج سازی ها دادند کارفرمای این کارخانه با حمایت اداره کار ساوه با شناسایی کارگران خواهان تشکل و فعال در اعتصاب، تاکنون حدود ۱۰۰ نفر از این کارگران را تمديد قرارداد نکرده و اقدام به اخراج آنها نموده است. علاوه بر این اخراجها مدیریت جهت ایجاد فضای ترس در میان کارگران ۵۰ نفر از این کارگران نیز ناچار به استعفا از کار خود شده اند. همچنین تا کنون پنج نفر از نماینده های این کارگران به نامهای شاپور احسانی راد، جعفر پولادوند، مسلم نبوی، اردشیر رضایی و دادگر کریمی و نیز یکی از ناظرین انتخابات کارگران به نام نصرالله صبوری تمديد قرارداد نشده و از کار اخراج گشته اند. تمامی این کارگران منجمله نماینده های آنان دارای سوابق کاری تا ۱۸ سال و آسیب دیدگیهای جسمانی شدید ناشی از کار هستند و اداره کار ساوه در یک اقدام ضد انسانی و تباری آشکار با کارفرما تاکنون حکم اخراج تمامی این کارگران را صادر کرده است. اخراج کارگران به خاطر شرکت در اعتصاب محکوم است. با اعتراضی گسترده باید این گستاخی دولت و کارفرما را در قبال اعتراضات کارگران پاسخ داد.

زنده باد جنبش مجمع عمومی!

کارگران کارخانه ی ایران برک، با مبارزه متحد خود ۷ همکار اخراجی خود را به سر کار بازگرداندند

مدیریت کارخانه، خواهان شروع به کار فوری کارخانه و ادامه ی کار آن هستیم، اما... " که خوشبختانه تمامی این ترنند ها، با هوشیاری و درایت کارگران با شکست مواجه شد و همان طور که در آغاز ای گزارش نیز آمده است، کارگران توانستند پس از دو هفته اعتصاب یکپارچه و متحد، کارفرما را مجبور به عقب نشینی کنند و کارگران اخراجی بر سر کارهای خود باز گردانند.

کارگران را به شکست بکشاند اما موفق نشدند. به عنوان مثال اعلام کردند که حقوق معوقه و عیدی و پاداش سال های قبل کارگران در صورتی پرداخت میشود که از خواست بازگشت به کار کارگران اخراجی کارخانه صرف نظر نمایند. و یا با تهدید به اخراج و بعضاً تطمیع معدودی از کارگران قراردادی را مجبور کردند که پای ورقه هایی را امضاء کنند که در آن نوشته شده بود: " ما کارگران، ضمن حمایت از

تن دیگر از کارگران این کارخانه نمود. اما کارگران بیکار ننشسته و متحدانه اعلام داشتند که " تا بازگشت به کار تمامی کارگران اخراجی و پرداخت حقوق معوقه ی کارگران، به اعتصاب خود ادامه خواهند داد ". لازم به یادآوریست که در طول این مدت، کارفرما و گماشتگان او تمام سعی و تلاش خود را به کار بردند تا به عناوین مختلف در میان صفوف متحد کارگران تفرقه اندازند و اعتصاب یکپارچه ی

۴ ماه حقوق و مزایای معوقه ی خود، توسط کارفرمای کارخانه اخراج شدند، در مقابله با این عمل گستاخانه کارفرما، تمامی ۲۰۰ کارگر کارخانه، متحدانه و یکپارچه دست از کار کشیدند و دستگاه ها را یکی پس از دیگری خاموش کردند. در تقابل با اعتراض کارگران، کارفرمای کارخانه، در همدستی با لطفی، رئیس حراست اداره ی کار و امور اجتماعی استان، برای چشم زهر گرفتن از کارگران، اقدام به اخراج ۷

به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری پس از گذشت بیش از دو هفته از اعتصاب هماهنگ و یکپارچه ی کارگران، در کارخانه ی ایران برک رشت، مبنی بر بازگشت به کار تمامی کارگران اخراجی، کارفرمای این کارخانه، مجبور به عقب نشینی و پذیرش خواست کارگران، در این خصوص شد. به گزارش همین کمیته در این کارخانه، ۷ نفر از نمایندگان کارگران، در اعتراض به عدم پرداخت

بیشترین میزان تولید و پررونق ترین بازار فروش و بهترین سود برخوردار است اما صاحبان شرکت از دادن حقوق و دستمزد کارگران سرباز می زنند.

کارگران این کارخانه در این مدت به اشکال مختلف اعتراض خود را بیان داشته اند اما تا کنون پاسخی نگرفته اند.

گفتنی است که کارگران این کارخانه هنوز بخشی از دستمزدهای مربوط به سال های ۸۲ و ۸۳ که تحت عنوان عیدی و پاداش پرداخت می شود، دریافت نکرده اند.

انفجار مهیب در پالایشگاه نفت آبادان یکی از کارگران جان خود را از دست داد

بنا به خبری که به حزب کمونیست کارگری رسیده است روز دوشنبه ۲۷ آبانماه نزدیک ساعت ۱۱:۳۰ صبح انفجار مهیبی در بخش گاز مایع

بازگشتند. اما در هفته گذشته با شنیدن اینکه "نداریم پرداخت کنیم، هر کاری میخواید بکنید"، مجدد دست به تجمعات اعتراضی زده و بر خواست خود تاکید دارند.

کارگران کارخانه صنایع شیمیائی ساری (کرم کیمیکال) ۷ ماه است که حقوق خود را نگرفته اند.

بنا به گزارشهای منتشر شده، کارگران کارخانه صنایع شیمیائی ساری (کرم کیمیکال) از شروع سال جاری تا کنون ۷ ماه است که هیچ دستمزدی دریافت نکرده اند.

همچنین دفترچه های بیمه آن ها مدت ها است که تمدید نشده و صاحبان شرکت حاضر به تمدید آن ها نیستند. لازم به ذکر است که این شرکت تا چند سال قبل ۱۲۰ کارگر داشته است. اما تاکنون در حدود ۴۰ نفر از کار اخراج شده اند. بنا به گفته کارگران، این کارخانه از

میزند ولی تا کنون جوابی نگرفته اند. در اجتماع ۲۶ آبان معلمان از مشکلاتش سخن میگفتند. عده ای می گفتند که حداکثر درآمد ماهانه آنان ۲۰ الی ۳۰ هزار تومان است. عده ای آخرین رقم حقوقی خود را ۷۰ هزار تومان بیان می کردند. تنها عده معدودی بودند که در ماه چیزی معادل ۱۳۰ هزار تومان دریافت می کردند.

اکثر این معلمان بالای ۹ سال سابقه کار دارند. معلمان معترض بر روی پلاکاردی که با خود حمل می کردند با خط درشت نوشته بودند: « شگفتا! کشوری بر گنج، معلمانی در رنج

کارگران واگن پارس اراک تجمعات اعتراضی خود را از سر گرفتند

به گزارش آژانس ایران خبر، کارگران واگن پارس اراک بعد از اعتراضات بسیار در رابطه به تعویق دستمزد ماه گذشته خود، پس از قول مساعد مسئولان شرکت بسر کار خود

۲۳۰ تن از کارگران شرکت سازمانیه پاکدشت، در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان و همچنین تأمین امنیت شغلی خود، روز ۲۰ آبان ماه در مقابل دادگستری این شهر تجمع اعتراضی برپا کردند. کارگران گفته اند اگر به مطالباتشان رسیدگی نشود به اعتراض خود ادامه خواهند داد.

تجمع اعتراضی معلمان حق التدریس در تهران

به گزارش آژانس ایران خبر، صبح یکشنبه ۲۶ آبان بار دیگر شماری از معلمان مشمول قراردادهای موقت موسوم به حق التدریسی از گوشه های مختلف کشور در تهران و در برابر مجلس اجتماع کردند تا فریاد گرسنگی و زندگی فلاکت بار خود و خانواده هایشان را بلندتر به گوش مسئولین برسانند. معلمان این بار از استان های لرستان و یزد به پایتخت آمده بودند. این چندمین بار است که این معلمان دست به چنین تجمعی

تجمع جمعی از بازنشستگان ذوب آهن اصفهان

به گزارش آژانس ایران خبر صبح روز ۲۰ آبان جمع عظیمی از بازنشستگان ذوب آهن اصفهان در اعتراض به عدم پرداخت حق و حقوق خود در مقابل کانون بازنشستگان دست به یک تجمع زدند. در این تجمع که تعدادی از خبرنگاران و عکاسان اصفهانی نیز حضور داشتند با برخورد وحشیانه نیروهای اطلاعات روبرو شده و این نیروها مانع از گفتگوی آنان با بازنشستگان شدند. در این بین یکی از عکاسانی هم که در این تجمع حضور داشت مورد بازخواست نیروهای امنیتی قرار گرفت و از او تعهد گرفته شد و تمامی عکسهای نیز که گرفته بود همگی توسط آنان پاک گردید.

کارگران شرکت سازمانیه دست به تجمع اعتراضی زدند

بنابه اخبار منتشر شده، بیش از

خلبانان را در سن شصت سالگی مدنظر قرار خواهد داد. اما خلبانان به ادامه اعتصاب خود تاکید کردند. (به نقل از مقاله فرشاد حسینی در انترنسیونال ۲۷۰)

اجرای این برنامه را هزینه بر میدانند و میگویند هزینه آن فقط در سال جاری ۵ میلیارد یورو است. تحت فشار اعتراضات کارگران، دومینیک بوسرو وزیر حمل و نقل فرانسه متعهد شد دولت حق بازنشستگی

پیشنهادی سارکوزی، دولت در نظر دارد سیستم "رژیم ویژه" برای ۵۰۰ هزار کارگر در شرکت های دولتی را کنار بگذارد. این طرح شامل کارگران "اس ان سی اف"، شرکت برق "ای دی اف"، معدنیچیان می شود. البته تنها ۶ درصد بازنشستگی ها تحت رژیم ویژه قرار می گیرند که به مشمولان اجازه می دهد تا پس از ۳۷ سال و نیم کار بازنشسته شوند و کارمندان سایر بخش های دولتی و خصوصی تنها می توانند پس از ۴۰ سال کار بازنشسته شوند. اما دولت فرانسه

چند خبر از اعتراضات ...

مصمم است علیرغم اعتصاب ها به راه خود ادامه دهد. این دومین اعتصاب کارگران بخش راه آهن فرانسه طی یک ماه اخیر است. اعتصاب روز ۱۷ اکتبر پس از ۲۴ ساعت خاتمه یافت. اعتصاب در بخش حمل و نقل از مبارزات با سابقه کارگری در فرانسه است که تا کنون نقش موثری در عقب راندن دولت فرانسه در تهاجم به زندگی کارگران و جامعه داشته باشد. بنا به طرح

نوامبر به آنها پیوندند و کارگران پست فرانسه نیز روز شنبه ۲ آذر (۲۲ نوامبر) در اعتراض به خصوصی سازی اداره پست و خطر بیکار شدنشان دست به اعتصاب خواهند زد.

قضیه از این قرار است که سارکوزی، رئیس جمهور فرانسه، می خواهد حقوق بازنشستگی که به برخی از کارمندان بخش های عمومی اجازه می دهد از سن ۵۰ سالگی بازنشسته شوند را قطع کند و اعلام کرده است که

سایت کارگران www.kagaran.org

سایت روزنه www.rowzane.com

یک دنیای بهتر برنامه حزب کمونیست کارگری را بخوانید

مدیر کارخانه کیان تایر برکنار میشود، دو ماه از طلب کارگران پرداخت میگذرد

کیان تایر و واگذاری آن به شرکت سرمایه گذاری سازمان تامین اجتماعی (شستا) به وزرای امور اقتصادی و دارایی و رفاه ابلاغ گردید. همچنین بنا به گزارش رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران (سایت اتحاد) دو ماه از ۷ ماه دستمزد معوقه آنان نیز به حسابی در بانک تجارت واریز شده است. قرار است پس از تهیه لیست و ارائه آن به بانک در طول هفته آینده، این پول جهت پرداخت به کارگران به حساب امور مالی کارخانه واریز شود.

بعلاوه تمديد دفترچه های بیمه کارگران کیان تایر نیز که قطع شده بود اکنون به جریان افتاده است و کارگرانی که بصورت انفرادی برای تمديد دفترچه های درمانی خود به شعب سازمان تامین اجتماعی مراجعه میکنند، دفترچه هایشان تمديد میشود. نماینده های کارگران لاستیک البرز در حال حاضر در حال تهیه لیست تمامی کارگران برای ارائه به سازمان تامین اجتماعی هستند و این لیست هفته آینده به سازمان تامین اجتماعی رد خواهد شد. اینها همه موفقیتهایی است که کارگران کیان تایر به اتکا مجمع عمومی و مبارزه متحد خود

ثبت رساندن اتحادیه با موفقیت به انجام رسید برای ما جمعهای وسیعی از کارگران رسمی، قراردادی و پیمانی کارخانه ها و مراکز کارگری اصفهان و حومه، خبری مسرت بخش و امیدوار کننده برای ایجاد اتحاد و همبستگی هرچه گسترده تر در میان کارگران ایران بود. ما به همه اعضاء اتحادیه و بخصوص حاضرین در مجمع عمومی تبریک گفته و خود را در مبارزات آنان برای رسیدن به خواسته های مشترک، بویژه کمپین در دست اقدام برای تعیین حداقل دستمزد شریک می دانیم.

ما همچنین از اعتصاب کارگران کیان تایر پشتیبانی و دستشان را در مبارزه برای رسیدن به مطالباتشان

گزارش در این حرکت اعتراضی نیروی انتظامی نیز در محل نظاره گر بود و یکی از سربازان به کارگران گفته بود که به ما اطلاع داده اند که صبح محل را ترک نکنیم چون قرار است کارگران تحصن کنند.

تجمع اعتراضی کارگران کیان تایر بر اساس تصمیم مجمع عمومی آنها که در روز یکشنبه ۱۹ آبان برگزار شده بود، برپا گردید. کارگران در آنجا تصمیم گرفتند که تا تحقق خواستههایشان به تجمع خود در مقابل دفتر احمدی نژاد ادامه دهند و در صورت عدم رسیدگی به خواسته هایشان، همراه خانواده های خود دست به تجمع بزنند. کارگران علاوه بر تصمیم گیری در مجمع عمومی، با ارسال اس ام اس هایی سایر همکاران خود را به شرکت در این تجمع فراخوان دادند. متن پیام ارسالی از اس ام اس چنین بود: "سلام، جهت احقاق حقوق قانونی از دست رفته مان فردا ۷ صبح مقابل ریاست جمهوری تجمع می نماییم، حضور شما همکاران سرنوشت ساز می باشد." بدنبال این تجمع و با گذشت بیش از ۴ ماه اعتصاب و مبارزه، روز ۲۹ آبان حکم خلع مالکیت از شرفی کارفرمای کارخانه

روز دوشنبه ۲۰ آبان حدود ۸۰۰ نفر از کارگران کیان تایر (لاستیک البرز سابق) از ساعت هفت صبح در مقابل دفتر ریاست جمهوری در چهار راه پاسنور در اعتراض به ۷ ماه دستمزد پرداخت نشده خود تجمع کردند. این تجمع علیرغم هوای بارانی و سرد، چندین ساعت به طول انجامید. کارگران پلاکاردهائی با خود داشتند که بر روی آنها از جمله نوشته شده بود: "ما هفت ماه است حقوق نگرفته ایم، آقای وزیر شما چطور؟"، "بابا نان ندارد"، "چرا؟" پلاکاردها و شعارهای کارگران توجه مردم و رهگذران را به خود جلب کرده بود. کارگران شعار میدادند "وعده وعید نمیخوایم حقمون را میخوایم". سرمایه از روز ازل نبوده، سرمایه دار حق ما را ربوده، سرانجام ۲۵ نماینده کارگران برای مذاکره با مقامات مسئول به داخل دفتر احمدی نژاد رفتند و سپس یکی از آنها به میان کارگران آمد و گفت ما این تحصن را امروز تمام میکنیم و اگر مذاکره نتیجه نداد دوباره تحصن خواهیم کرد. کارگران اعلام کردند اگر مذاکره به جایی نرسید، به تحصن و تجمعات اعتراضی خود ادامه میدهیم. بنا به

پیام های همبستگی با کارگران کیان تایر

درد بر شما

ما کارگران هفت تپه از تلاشهای بحق شما در راه بدست آوردن مطالبات بحق و قانونی تان حمایت میکنیم امیداست که در سایه اتحاد کارگران آن موسسه تولیدی پیروزی حاصل گردد. به امید اتحاد کارگران ایران - سندیکای کشت و صنعت نیشکر هفت تپه. ۱۹ آبان ۸۷ ***

پیام به اتحادیه آزاد کارگران ایران و کارگران اعتصابی کیان تایر (لاستیک البرز)

خبر برگزاری مجمع عمومی فوق العاده اتحادیه آزاد کارگران ایران که حول حداقل دستمزد و اقدام برای به

اعلام حمایت کارگران ریسندگی پوریس از کارگران لاستیک البرز

همرزمان

ما کارگران شرکت ریسندگی پوریس سندج از مبارزات برحق شما کارگران لاستیک البرز که خواست اکثریت کارگران ایران است اعلام پشتیبانی نموده و خود را در کنار شما می دانیم. زنده باد همبستگی کارگران کارگران ریسندگی پوریس

سندج
۲۳ آبان ۸۷

پیام سندیکای کارگران شرکت طرح نیشکر هفت تپه به کارگران لاستیک البرز



العاده اتحادیه آزاد کارگران ایران شرکت داشتند و در آنجا بر روی خواست افزایش دستمزدها تاکید شد. برپایی منظم مجمع عمومی یک حلقه اساسی در متحد ماندن صف این کارگران و مبارزه برای پیگیری خواستها و مطالباتشان است، باید همچنان این حلقه را در دست داشت. مجمع عمومی منظم و دائمی را به شکل واقعی تشکل کارگران در این کارخانه تبدیل کرد. زنده باد کارگران کیان تایر

بدست آورده اند. کارگران کیان تایر با برپایی مجمع عمومی، تصمیم گیری در مجمع عمومی بر سر خواستههایشان، انتخاب نمایندگان خود در مجمع عمومی، توانسته اند تا کنون مبارزات متحدی را به پیش برند و امروز بعد از موفقیت های اولیه ای که داشته اند، در موفقیت بسیار بیشتری قرار دارند که نه تنها ۵ ماه دستمزد معوقه خود را نقد کنند، بلکه برای خواست افزایش دستمزد ها مبارزه کنند. نمایندگان کارگران کیان تایر از جمله کارگرانی بودند که در مجمع فوق

می فشاریم و خواهان پرداخت کلیه حقوق معوقه آنان هستیم.

زنده باد همبستگی سراسری کارگران

جمع هایی از کارگران:

- ۱- پتروشیمی اصفهان
- ۲- پالایشگاه اصفهان
- ۳- صنایع شیمیایی Lāb
- ۴- نیروگاه اصفهان
- ۵- شرکت ها و واحدهای صنعتی شهرک مورچه خورت
- ۶- شهرک صنعتی جی
- ۷- شهرک صنعتی اشترجان

۲۱ آبان ۸۷

اعلام حمایت کارگران ایران خودرو از خواستهای برحق کارگران کیان تایر

کارگران زحمتکش کیان تایر

ما کارگران ایران خودرو یکبار دیگر ضمن اعلام همبستگی با مبارزات حق طالبانه شما از خواستهای برحق تان برای رسیدن به حقوقتان برای داشتن حق کار. برای داشتن حق بهداشت برای داشتن حق يك زندگی بهتر همراه با رفاه و آسایش برای خود و خانواده تان اعلام پشتیبانی می کنیم واز همه دوستان کارگر می خواهیم که در رساندن صدای حق طلبانه شما به گوش دیگر کارگران تلاش کنند. پیروزی کارگران تنها در گرو مبارزه و اتحاد و همبستگی آنان امکان پذیر است زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران درود بر کارگران کیان تایر جمعی از کارگران ایران خودرو

زنده باد سوسیالیسم